



کودکان : در جهانی مآلما از بی عدالتی ها

در صفحه ۵

انتخابات در کردستان عراق

سیاسی کرد خود شرایط و مقررات انتخابات را تعیین کرده اند و کردستان عراق شاهد یک رقابت آزاد میان احزاب بود. تصمیم به برگزاری انتخابات در مناطق تحت کنترل "جبهه کردستان" - ائتلاف همه احزاب عمده در کردستان عراق - در آذر ماه سال گذشته گرفته شد. هلت اتخاذ این تصمیم این بود که عدم بقیه در صفحه ۱۲

روز ۲۹ اردیبهشت مردم کردستان عراق در مناطق تحت کنترل نیروهای کرد به پای صندوق های رای رفتند تا رهبر سیاسی خود و نیز صد نماینده پارلمان محلی کردستان عراق را برگزینند. این، نخستین انتخابات واقعا آزاد در کردستان عراق بود. آخرین بار در سال ۱۳۴۹ در شمال عراق انتخابات برگزار شد اما رای گیری زیر نظر دولت بغداد صورت گرفت. این بار، احزاب

مقدم

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۷۱ - ۲۴ ماه مه ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۳۵

ترکیب مجلس چهارم تعیین شد

جناحی در تهران تنها ۱۳ درصد آرا افراد واجد شرایط را کسب کرده است. هیچکس نمی پذیرد که ۱۳ درصد به حساب کل و یا اکثریت مردم نوشته شود.

در انتخابات در نزاع بین جناح ها، ائتلاف حاکم برنده شد و تندروها بازنده. در تهران در مرحله دوم هیچیک از تندروها رای نیاوردند و جامعه روحانیت مبارز تمام کرسی های تهران را قیض کرد. تندروها در مرحله دوم تغییراتی در شیوه ها و شعارهای تبلیغاتی خود دادند. آنها این بار بجای پوسترهای سیاه و سفید که در مرحله اول مورد استفاده قرار گرفته بودند پوسترهای رنگی و چشمگیر به دیوارهای شهر چسباندند. بر پوستری جمله "میزان، رای ملت است" را از خمینی درج کردند و نوشتند: "برای دفاع از خط امام، ولایت فقیه و قانون اساسی و حل مشکلات اقتصادی در جهت حمایت از محرومین و مستضعفین مجمع روحانیون مبارز تهران افراد زیر را معرفی میکند..." ولی این تغییرات نتیجه ای ببار نیاورد.

به گزارش خبرگزاری ها نزدیک به سه چهارم نمایندگان مجلس آتی از آن ائتلاف حاکم است. عده قلیلی از کاندیداهای جناح تندرو به مجلس راه یافتند. آن هم از شهرستان ها. عناصر اصلی و فعال این جناح در خارج بقیه در صفحه ۲

در این مرحله تنها کاندیداهای دو جریان حکومتی در مقابل هم صف کشیده بودند. نصف کاندیداهای متعلق به جامعه روحانیت مبارز و نصف دیگر از آن مجمع روحانیون مبارز بود و آراء شرکت کنندگان بین این دو جریان کانالیزه شده بود. رای نفر جامعه روحانیت مبارز حدود ۵۹۰ هزار (عباس شیبانی) و رای نفر اول مجمع روحانیون مبارز ۲۶۰ هزار (خانم جلودازاده) بود. مجموع آراء آنها حدود ۸۵۰ یعنی ۸۵ درصد رای دهندگان است. به بیان دیگر در حدود ۱۵ درصد شرکت کنندگان رای سفید داده اند. در مرحله اول هم تعداد قابل توجهی از شرکت کنندگان رای سفید داده بودند.

خبرگزاری هانیز گزارش دادند که در مرحله دوم در شهرهای بزرگ، خیابان ها بکلی خلوت بودند و افراد کمی برای رای دادن به صندوق ها مراجعه میکردند.

مرحله دوم انتخابات نیز همانند مرحله اول، در حقیقت شکست رژیم اسلامی بود. رفسنجانی و یاران او کوشیدند با جعل آمار بر این شکست سرپوش بگذارند و انتخابات را پیروزی رژیم و تایید سیاست های دولت توسط مردم جلوه دهند. در حالیکه دو نفری که در دور اول رای آوردند سابقه فعالیت سیاسی چندانی نداشتند و به جناحی وابسته نبودند. نفر اول کاندید

در مرحله دوم انتخابات، با وجود تبلیغات گسترده رژیم اسلامی برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای، میزان شرکت کنندگان از مرحله اول هم پائین تر بود. در تهران که در حقیقت سرنوشته کرسی هایش در مرحله دوم تعیین می شد (از ۳۰ کرسی نمایندگی تهران تکلیف ۲۸ کرسی در دور دوم معلوم می شد) به گفته مقامات حکومتی فقط یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر آرای خود را به صندوق ها ریختند. یعنی از ۴/۵ میلیون نفر واجدین شرایط حدود یک میلیون (۲۲ درصد) شرکت کردند.

ادعاهای رفسنجانی و واقعیت های انتخابات

باشد. هاشمی رفسنجانی رئیس حکومت اسلامی یکی از کسانی بود که توانست خود را از این مهلکه دشنام و تهمت و افترا و پرونده سازی و بر ملا ساختن آنچه که در خفا صورت گرفته، برگزیند. نگاهدارد و این ظاهرا به دلیل "موضع بیطرفانه ای" بود که وی اتخاذ کرد. اما موضع رئیس جمهور فقط در ظاهر امر بی طرفانه بود و او در تمام قضایا دست در دست رسالتی ها، جنگ تمام عیار با پیروان خط امام را بقیه در صفحه ۲

با اعلام نتایج مرحله دوم، انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی پایان رسید. ۲۶۸ نماینده از ۱۶۹ حوزه انتخابیه به مجلس چهارم راه یافتند. نماینده و یا نمایندگان ۸۸ حوزه انتخابیه در مرحله اول و ۸۱ حوزه دیگر در مرحله دوم انتخابات برگزیده شدند. نتیجه انتخابات دو حوزه الیگودرز و گنبد مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفت و انتخاب نمایندگان این دو حوزه به انتخابات میان دوره ای موکول شد. مجلس چهارم روز ۷ خرداد ماه کار خود را آغاز میکند.

سران ترکیه، بویژه رئیس جمهور آن در استقبال از تغییر مرزهای جغرافیایی منطقه، اگر بسود آنها باشد، ذره ای تردید ندارند. این نکته را اوزال رئیس جمهور ترکیه در گفتگو با خبرنگاران آشکارا طرح کرده است. سران جمهوری اسلامی نیز با آنکه اشتیاق فراوان دارند که جمهوری آذربایجان در "قفقاز" قرار گیرد، اما در حال حاضر مقابله با توسعه نفوذ ترکیه در قفقاز بیش از هر چیز دیگری مبنای رفتار آنهاست. از سوی دیگر جمهوری روسیه نیز در قبال تحولات قفقاز حساس است و فرماندهی نیروهای مسلح جامعه کشورهای مشترک المنافع نسبت به هرگونه دخالت خارجی در قفقاز هشدار داده است. از اینرو آتشی که در قفقاز شعله ور است اگر بسرعت و بطرز صحیحی مهار نشود، مخاطرات جدی ای برای ثبات تمام منطقه در پی خواهد داشت. در مورد کشور ما صریحا باید گفت گسترش بحران قره باغ امنیت و ثبات مرزهای شمال غربی کشور ما را در معرض تهدید قرار بقیه در صفحه ۲

بحران قره باغ ابعاد خطرناکی بخود میگیرد

هفته های اخیر بحران قره باغ علیا در پی تعرضات نظامی نیروهای ارمنه به مناطق آذری نشین و تصرف برخی شهرها و مناطق جمهوری آذربایجان، ابعاد خطرناکی پیدا کرده است. بدنبال تصرف شهر شوفا، ارمنه به شهر لاجین که مابین ارمنستان و قره باغ قرار دارد، هجوم آورده و آنرا بتصرف خود درآوردند. هم اکنون نظامیان ارمنی تعرض خود را متوجه خاک جمهوری خودمختار نخجوان کرده اند و جنگ به این منطقه کشیده شده است.

تحركات جدید ارمنه پس از آن آغاز شد که مقامات بالای ارمنستان و آذربایجان در نشست در تهران بر سر راهبیت آتش بسو ادامه مذاکره و گفتگو برای حل و فصل بحران قره باغ به توافق رسیده بودند. اما وسوسه بهره برداری از اوضاع موجود، ارمنی ها را بر آن داشت که تعهدات خود را زیر پا بگذارند. بنظر می رسد بحران سیاسی در باکو و ضعف ناشی از آن مشوق نیروهای ارمنی برای دست زدن به این تجاوزات خطرناک شده است.

تصرف دو شهر جمهوری آذربایجان توسط ارمنه و آغاز تعرض به خاک نخجوان به تقویت آن گرایشات و روحیاتی در آذربایجان منجر شده است که بی شک تشدید بحران و تشدید جنگ و خصومت میان دو ملت را در پی خواهد داشت. تحولات سیاسی هفته های اخیر در باکو که به میزان زیادی مرتبط با بحران قره باغ و منتج از آن است به آن روحیاتی دامن زده است که در استفاده از زور در حل و فصل بقیه در صفحه ۲

تصرف دو شهر جمهوری آذربایجان توسط ارمنه و آغاز تعرض به خاک نخجوان به تقویت آن گرایشات و روحیاتی در آذربایجان منجر شده است که بی شک تشدید بحران و تشدید جنگ و خصومت میان دو ملت را در پی خواهد داشت. تحولات سیاسی هفته های اخیر در باکو که به میزان زیادی مرتبط با بحران قره باغ و منتج از آن است به آن روحیاتی دامن زده است که در استفاده از زور در حل و فصل بقیه در صفحه ۲

تصرف دو شهر جمهوری آذربایجان توسط ارمنه و آغاز تعرض به خاک نخجوان به تقویت آن گرایشات و روحیاتی در آذربایجان منجر شده است که بی شک تشدید بحران و تشدید جنگ و خصومت میان دو ملت را در پی خواهد داشت. تحولات سیاسی هفته های اخیر در باکو که به میزان زیادی مرتبط با بحران قره باغ و منتج از آن است به آن روحیاتی دامن زده است که در استفاده از زور در حل و فصل بقیه در صفحه ۲

تصرف دو شهر جمهوری آذربایجان توسط ارمنه و آغاز تعرض به خاک نخجوان به تقویت آن گرایشات و روحیاتی در آذربایجان منجر شده است که بی شک تشدید بحران و تشدید جنگ و خصومت میان دو ملت را در پی خواهد داشت. تحولات سیاسی هفته های اخیر در باکو که به میزان زیادی مرتبط با بحران قره باغ و منتج از آن است به آن روحیاتی دامن زده است که در استفاده از زور در حل و فصل بقیه در صفحه ۲

نتایج اجلاس سران کشورهای آسیای میانه

اجلاس اخیر سران جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای میانه شوروی سابق در عشق آباد مرکز ترکمنستان، در نوع خود نخستین اجلاسی بود که در آن علاوه بر رهبران جمهوری های فوق، سران سه کشور درگیر در رقابت فشرده برای گسترش حوزه نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در این جمهوری ها نیز شرکت داشتند. در این اجلاس روسای جمهور ۴ جمهوری قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان حاضر بودند و از سوی ایران هاشمی رفسنجانی و از جانب ترکیه و پاکستان نخست وزیران این کشورها در آن شرکت داشتند. از جمهوری تاجیکستان بدلیل بحران سیاسی حاکم بر آن جمهوری، نماینده ای در اجلاس عشق آباد حضور نداشت.

در پایان این اجلاس یک بیانیه سیاسی و یک بیانیه اقتصادی از سوی شرکت کنندگان به امضاء بقیه در صفحه ۲

برف، باران، سیل و توفان صد ها میلیارد در یال خسارت ببار آورد

امیرکبیر تا ۳۰ متر افزایش یافت. این میزان افزایش ارتفاع آب تاکنون بی سابقه بوده است. برای کاهش فشار بر دیواره سد، حجم آب خارج شونده را افزایش دادند که به بروز سیل انجامید. سد سفید رود نیز با وضعیت مشابهی روبرو گردید. طغیان سفید رود در صدها روستای استان گیلان خسارت ببار آورد و هزاران هکتار شالیزار را در آب فرغ ساخت. در رودسر ۱۶ پل، صدها واحد مسکونی و هزاران راس دام نابود گردید. در همین منطقه یک روستا بکلی در آب فرغ و منهدم شد. در ترکمن صحرا سد خاکی وشمگیر درهم شکسته شد و آب پشت سد روستای ترکمن نشین را درهم کوبید. خسارات وارده در شهر آن قلا فوق العاده است. طغیان آب رودخانه تالار در منطقه سواد کوه در شیرگاه و بقیه در صفحه ۲

برف، باران، سیل و توفان صد ها میلیارد در یال خسارت ببار آورد

سرما، برف، باران، سیل و طوفان در طول اردیبهشت ماه پهنه کشور را دربر گرفت. خسارات حاصل از این دگرگونی فافل گیر کننده اقلیمی سر به دهها میلیارد ریال می زند. مردم ۱۳ استان کشور رنج ناشی از این خسارات را بردوش دارند. در روزهای پایانی اردیبهشت ماه تمامی خطه البرز از برف سپید پوش گردید. ارتفاع برف در برخی مناطق از ۴۰ سانتیمتر نیز گذر کرد. ریزش برف و بارش باران به افزایش شدید و ناگهانی حجم آب رودخانه های البرز انجامید و سیلی در پی آن آمد که مناطق مسکونی، مزارع و تاسیسات صنعتی دامنه های شمالی و جنوبی البرز را آماج قرار داد. حجم آب رودخانه کرج به طور ناگهانی ۱۲ تا ۹ برابر افزایش یافت. ارتفاع آب در پشت سد بقیه در صفحه ۲

تداوم مشاجرات بر سر مسائل فرهنگی

نزاع بر سر مسائل فرهنگی هم چنان ادامه دارد. فتعای جمهوری اسلامی بعد از انتخابات حملات خود را علیه سیاست های فرهنگی جاری و بویژه وزارت ارشاد تشدید کرده اند. فاضل لنگرانی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در مراسمی که از سوی شورای مدیریت مدرسین حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه این شهر برگزار شده طی سخنان تندی خواستار تجدید نظر در انتخاب مسئولین کشور از سوی رئیس جمهوری شد و اظهار داشت: "از رئیس جمهور محترم که مورد احترام همه مستند میخوامیم وزارت ارشاد را که ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ دارد از بقایای بقیه در صفحه ۳

قطعه نامه پیشنهادی به کنگره فوق العاده در صفحه ۷

بحران قره باغ ابعاد خطرناکی بخود میگیرد

بقیه از صفحه اول

داده است. پشت گرمی ارامنه به قرب و آمریکا و عدم واکنش فعال از سوی سازمان ملل، جامعه کشورهای مشترک المنافع و جامعه اروپا عملاً ارامنه را به این نتیجه خام و خطرناک رسانده است که میتوانند بدون توجه به پیامدهای اقدامات خود، با توسل به زور نظامی اوضاع را بسود خود تغییر دهند. در این میان رفتار سازمان ملل و شورای امنیت واقعا سوال برانگیز است. سازمان ملل در سالهای اخیر تقریباً در قالب بحرانهای منطقه‌ای حضور فعال داشته و در معارین بحرانها در مواردی نقش مثبتی نیز ایفا کرده است. اما چرا تاکنون شورای

امنیت نسبت به بحران قره باغ از خود حساسیت نشان نداده و سازمان ملل برای جلوگیری از گسترش بحران اقدامی بعمل نیاورده است؟ ما تشدید جنگ در قره باغ و تصرف مناطق جدید را محکوم می‌کنیم و خواهان قطع جنگ، عقب نشینی ارامنه از مناطق متصرفه و پایان دادن به محاصره اقتصادی قره باغ از سوی آذربایجان هستیم. مرزهای شناخته شده بین المللی باید محترم شمرده شود و سازمان ملل متحد، جامعه کشورهای مشترک المنافع و کشورهای منطقه برای جلوگیری از گسترش جنگ و مهار بحران بایستی هر چه زودتر وارد عمل شوند.

ادعاهای رفسنجانی و واقعیت های انتخابات

بقیه از صفحه اول

پیش برد. رفسنجانی برای این منظور شیوه خاص خود را برگزید و به جای وارد شدن در صحنه و درگیر شدن در فحاشی های متداول، از پشت صحنه جریان حذف رفتار است. "خط امام" از ظلم های شورای نگهبان به رفسنجانی پناه آورد و از او دادخواهی خواست. نمایندگان که صلاحیت آنها توسط شورای نگهبان رد شده، نامه های سر گشاده متعددی به رئیس جمهور نوشتند و از او طلب یاری کردند. از مهمترین مراجعاتی که به وی صورت گرفت یکی ملاقات مهدی کروبی و موسوی خوئینی ها و وی قبل از انتخابات مرحله اول و اعلام تمایب افراد تصفیه شده به منظور جلوگیری از حذف کاندیداهای مجمع روحانیون مبارز بود و دیگری نامه سرگشاده و متصل بهمزاد نبوی که از رفسنجانی در برابر "جریان مشکوک و مردموزی" که "به حذف یاران امام" کمر بسته است، مدد خواست. رفسنجانی به هیچ یک از این نامه ها و دادخواهی ها اعتنایی نکرد و پاسخی نداد و بنا به گفته خوئینی ها در پاسخ به مسئولین مجمع روحانیون مبارز "تنها به ابراز تعجب و تاسف خصوصی اکتفا کرد."

معنی پیروزی سیاست های دولت خود قلمداد کند و مدعی شد که مردم در انتخابات اخیر به سیاست های دولت او رای داده اند. اما شکست حکومت در جلب آرای مردم چنان آشکار بود، که چنین ادعایی از سوی رئیس جمهور اسلامی را تنها باید یک هومغریبی آشکار به حساب آورد. رئیس جمهور و طرفدارانش، طی تبلیقاتی مداوم و برنامه ریزی شده که از مدت ها قبل شروع شد، کوشیدند عدم موفقیت های خود و مجموعه حکومت در پاسخگویی به مشکلات مردم و جامعه را به گردن جناح تندرو و مخالفت و کارشکنی مجلس در برابر دولت بیاندازند و از روند روی گردانی مردم و گسترش عدم اعتماد به رژیم جمهوری اسلامی، جلوگیری کنند. در تبلیقات جناح حاکم چنین وانمود می شود که رفسنجانی می خواهد کار کند، اما مجلس و تندروها نمیگذارند. عدم استقبال طیف گسترده ای از مردم در انتخابات نشان داد که بخش وسیعی از مردم اسیر این توهم نشده اند و به هیچ یک از جناح های حکومتی و وعده های دولت امید ندارند. رفسنجانی از این پس در برابر آن عده ای نیز که به این توهم باور کرده اند، با دشواری های جدیدی مواجه است. دیگر بهانه "کارشکنی" مجلس وجود ندارد و عدم اجرای قول های داده شده به مردم را نمی توان با تراشیدن مخالفین تازه توجیه کرد. مردم به طور بیشتر و همگانی به این نکته پی خواهند برد که مشکلات انبوهی که جامعه ما در آن گرفتار آمده به خاطر مخالفت مجلس با دولت نبوده است. اشکال کار در وجود حکومتی است که آزادی مردم را سلب کرده و با پاسداری از استبدادی خونریز مانع بسج نیروهای متخصص، متعدد و دلسوز و میهن پرست برای نجات کشور از فاجعه سقوط گردیده است و حمایت از مشتی تجار و روحانی را به بهای فقر و تنگدستی روز افزون میلیون ها تن از مردم کشور ادامه می دهد. حذف و تصفیه تندروها که پیروزی رفسنجانی نامیده شده است، وی را نجات نخواهد داد، بلکه او را بیش از پیش در بستر انتقادهای ناراضی تها و مبارزات روز افزون توده ای تنها تر خواهد ساخت.

ترکیب مجلس چهارم تعیین شد

بقیه از صفحه اول

مجلس مانند فراسیون کوچک تندروها در مجلس فائقه حاضر پخته و با تجربه سیاسی است و به همین خاطر بعبده نظری رسد که در مجلس تاثیر چندانی داشته باشد و در هیئت رئیسه و کمیسیون ها نقش قابل توجهی ایفا کند. در دور سوم رئیس مجلس، هیئت رئیسه، روسای کمیسیون های اصلی و اکثریت آنها همدا در دست جناح تندرو بود. در مجلس آتی ائتلاف حاکم تمام آنها را به قبضه خود خواهد آورد. در همین حال نزاع جناح ها و شیوه برخورد ائتلاف حاکم موجب شد که بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی یا از آن فاصله بگیرند و یا به مخالفت با هر دو جناح برخیزند. کیهان هوایی در سر مقاله ای از ریزش نیرو صحبت کرده است و خوئینی ها در سخنرانی خود در دانشگاه بهشتی میگوید جریان شکل گرفته است که جدا از دو جناح می خواهد حرکت کند.

بلکه می خواهد با قلع و تمع خشونت بار و با حذف سراسری جناح رادیکال، برای همیشه خاطر دشمنان خارجی را آسوده سازند" و اضافه کرد: "متاسفانه در این دوره بنای خطرناکی گذاشته شد که در آینده ارزش های انقلابی را جدا تهدید میکند و سیلی است که همه چیز را با خود خواهد برد. یقیناً این لقمه گلوگیر خواهد بود و این چاهی که کنده شد، همان را نیز خواهد بلعد." محتشمی هم در سخنرانی اش در گرگان اعلام کرد که: "ما در سخت ترین شرایط و تحت بمباران شدید تبلیقاتی، در حالی که حقوق انسانی و اسلامی خودمان را از بین رفته دیدیم به خاطر اسلام سکوت کردیم... اما نخواهیم گذاشت که انقلاب بدست نااهلان و نامحرمان بیفتد."

در بین جناح ها نتایج انتخابات بازتاب های مختلف داشت. کروبی و خوئینی ها با وجود اعتراضشان نسبت به برخورد ائتلاف حاکم گفتند که برای ما "میزان رای ملت است". ولی در مجلس شورا برخی از نمایندگان برخورد های تندی داشتند. هادی خامنه ای اعلام کرد که: "اگر شهابه این نتیجه رسیده بودید که حضور ما در حکومت مانع پیشرفت کارهاست، می توانستید رسماً به ما بگوئید و ما بسادگی آماده بودیم صحنه را به نفع شما ترک کنیم. این سخن را بنده در نطق بعد از انتخابات از زبان همه دوستانم اظهار داشتم ولی در عمل نشان داده شد که به ترک مواضع آرام تن نمیدهند

رفسنجانی که سرمست از پیروزی است در دیدار با وزیر کشور و مسئولین برگزاری انتخابات خطاب به تندروها گفت: "خود مردم می دانند که آزادانه رای داده اند و چه کسانی را انتخاب کرده اند، در نتیجه اگر کسی مفرضانه انتقاد کند، فقط برای دشمنان خارجی خوراک تبلیقاتی فراهم کرده است." خامنه ای نیز نیز در دیدار با مسئولین برگزاری انتخابات گفت: "رای مردم محترم است و باید از آن تبعیت کرد". او در همین حال برای جلب خاطر تندروها اظهار داشت که: "حالا بالاخره اکثر مردم تشخیص دادند و برادر و یا خواهری را انتخاب کردند، این بدان معنی نیست که کسی که انتخاب نشده دیگر از حوزه کارها خارج است. نباید آنها را خارج از محدوده کارهای کشور و انقلاب به حساب

نتایج اجلاس سران کشورهای آسیای میانه

بقیه از صفحه اول

رسید، در بیانیه سیاسی بر ضرورت همکاری های منطقه ای میان کشورها بر اساس منافع متقابل، احترام به استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر تاکید شده است. در این بیانیه همچنین به تحولات منطقه از جمله اوضاع افغانستان، بحران قره باغ، بحران تاجیکستان، مسئله جامو و کشمیر اشاره شده و ابراز امیدواری شده بحران این مناطق و کشورها به طرق مسالمت آمیز و با تفاهم حل و فصل گردد. بیانیه اقتصادی حاوی توافق طرفین برای توسعه راه های ارتباطی منطقه است. و در آن احداث یک خط آهن آسیای، یک شبکه جاده های منطقه ای و یک خط لوله گاز از ترکمنستان به اروپای غربی در نظر گرفته شده است. چند شورای هماهنگی نیز مسئولیت راه اندازی این طرح ها را بر عهده دارند.

هاشمی رفسنجانی درباره این توافق ها گفت ایران تصمیم گرفته است راه آهن خود را به راه آهن ترکمنستان وصل کند و به این ترتیب دو اقیانوس آرام و اطلس به هم دیگر متصل می شوند. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی در اجلاس سران کشورهای آسیای میانه درباره "طراحی و ساختمان خط لوله گاز برای عرضه گاز طبیعی ترکمنستان به ایران و ترکیه و کشورهای اروپایی به مدت ۳۰ سال" توافق به عمل آمده است که بر اساس آن در مرحله اول ۱۵ میلیارد متر مکعب و در مرحله بعد ۲۸ میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان به اروپا انتقال خواهد یافت.

با وجود امضای بیانیه سیاسی مشترک و موافقتنامه اقتصادی از سوی سران ۷ کشور، رقابت میان ایران و ترکیه در این اجلاس و حاشیه آن همچنان ادامه داشت. خبرگزاری ها گزارش داده اند که دمیرل نخست وزیر ترکیه برغم توافق فوق طرح دیگری برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق دریای خزر و جمهوری آذربایجان به ترکیه و کشورهای اروپایی به ترکمنستان پیشنهاد کرده است.

بیاورید و یا تحقیر کنید". از ۲۶۸ نماینده منتخب ۱۸۴ نفرشان جزو کسانی هستند که برای اولین بار به مجلس راه می یابند. یعنی نزدیک به ۶۹ درصد. تنها ۷۹ نفرشان از نمایندگان دور سوم هستند. این ترکیب بازتاب های مختلفی پیدا کرده است. بخشی از مطبوعات کشور ناخرسندی خود را از این ترکیب نشان می دهند. کیهان هوایی در سر مقاله اش (شماره ۹۸۱-۳۰ اردیبهشت ماه) می نویسد: "تاکنون در دوره چهارم مجلس با اکثریتی مواجیم که از بینش لازم برای یک انقلاب و تحول فکری و اقتصادی در ابعاد جهانی برخوردار نیست." روزنامه جمهوری اسلامی هم قبل از انجام مرحله دوم انتخابات نوشته بود که ۶۰ درصد انتخاب شده ها چهره های جدید هستند که در میدان مبارزات نبوده اند و این روزنامه از مردم خواسته بود به افرادی رای دهند که از شیوه های انقلابی خمینی جانبداری می کنند.

مجلس چهارم کار خود را روز ۷ خرداد ماه آغاز خواهد کرد. هنوز ترکیب مجلس بلحاظ گرایش های جناحی روشن نیست و تکنیکی بین جناح رسالت و طرفداران رفسنجانی انجام نگرفته است. ولی آنچه معلوم است رسالتی ها که در طرد تندروها نقش زیادی داشتند، سهم خود را در ترکیب هیئت رئیسه و کمیسیون ها و در کابینه آتی خواهند خواست و در مجلس چهارم گرایش های بین این دو جریان بارز تر و مشخص تر خواهد شد و هر یک از آنها خواهد کوشید برنامه های اقتصادی و اجتماعی خود را پیش برده و لویجی مطابق با آن به تصویب برساند.

هشدار مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران در باره

خطر وقوع یک زلزله بزرگ در تهران

امکان پیش بینی زلزله قبل از وقوع آن فراهم آید و از طریق سیستم های هشدار دهنده الکترونیکی و کامپیوتری به اطلاع مردم برسد. وی افزود: ترار است در پارک هایی که قابلیت داشته باشند، انبارهای نگهداری مواد غذایی و سایر مواد مورد نیاز ایجاد شود تا در صورت وقوع زلزله مردم در آنها اسکان یابند. از جمله اقدامات دیگر، طرح مقاوم سازی ساختمان ها، تهیه شناسنامه فنی برای ساختمانها و ایجاد ۳۰ الی ۴۰ ایستگاه لرزه سنجی در اطراف تهران برای پیش بینی وقوع زلزله است. برخی از کارشناسان معتقدند که دولت در قبال هشدارهای اعلام شده، هنوز مسئولیت و حساسیت لازم را نشان نمی دهد و برنامه های ناکافی طراحی شده نیز با پیگیری لازم دنبال نمی شوند.

مفته قطع شده و بازگشت آنها به وضع اولیه یکسال طول خواهد کشید، بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر جان خود را از دست خواهند داد و بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر مجروح خواهند گردید. کارشناسان پیش بینی می کنند که وقوع چنین زلزله ای، ترکیب لوله های انتقال فرآورده های نفتی و گاز و انهدام انبارهای بزرگ نفتی و آتش سوزی های بزرگ را در پی خواهد داشت و با توجه به همه این مسایل، معلوم نیست چه کمکی و از چه نقاطی به این شهر بزرگ و مردم آن خواهد رسید. دکتر محسن ابراهیمی مدیر کل مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران در گفت و گویی با خبرنگار روزنامه سلام، ضرورت توجه دولت جهت پیشگیری های لازم را خاطر نشان کرد. وی گفت قرار است ترتیبی داده شود تا

مطابق پیش بینی کارشناسان، خطر وقوع یک زلزله مهیب در تهران، در ده سال آینده بسیار جدی است. به ابتکار شهرداری تهران "کنفرانس بین المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری" در روزهای ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت در تهران برگزار شد. اقدام به تشکیل این کنفرانس در پی هشدارهای مکرر کارشناسان نسبت به خطر وقوع زلزله در تهران صورت گرفت. بر سر سیاهی موسسه زلزله شناسی تهران نشان می دهد با وجود گسل های مهم در منطقه تهران و به ویژه فعالترین گسل منطقه (گسل موشا) به احتمال ۷۰ درصد، در طی ۱۰ سال آینده، زلزله ای با قدرت بیش از ۷ ریشتر در تهران به وقوع خواهد پیوست. کارشناسان این موسسه نتایج چنین زلزله احتمالی را فاجعه آمیز ارزیابی کرده اند. مطابق این ارزیابی ها، در صورت زلزله، ۹۵ درصد ساختمانهای مسکونی تا ۶۰ درصد تخریب خواهند شد، اکثر سیستم های خدماتی نظیر گاز، آب، تلفن، جاده و... به مدت ۴

با کمکهای مالی خود سازمان را در انجام وظایفش یاری رسانید!

آشتی "ولایت فقیه" با آزادی؟!

در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی بخشی از نیروهای وابسته به حکومت، که خود را پیروان خط امام می‌نامند، با شعارهایی چون جمهوری، مرجعیت، حکومت قانون و عدالت اجتماعی در کنار شعارهای سنتی کل مدافعان رژیم نظیر ولایت فقیه، اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی، وارد کارزار انتخاباتی شدند. طرح و تأکید بر شعارهای آزادی و عدالت در میان این طیف یک اندازه نبود و در موضوع برخی از آنها چون "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، جایگاهی ویژه یافتی و در نزد برخی دیگر به صورتی کم‌رنگ و جانی هوانا شد.

طرح شعارهایی در زمینه عدالت در بخشی از این نیروها سابقه‌ای قدیمی و در زمینه آزادی نیز قدمتی بیشتر از این دوره انتخابات داشت، اما گستردگی شعارهای فوق و همه‌گیر شدن آنها در میان "پیروان خط امام" ویژگی و تازه‌گی انتخابات اخیر بود و در طیفی از این نیروها که به تروریسم و سرکوب و کشتار شمره اند این سخنان تازه را باید تلاشی برای جمع کردن رای و مقابله با جناح قدرتمند حاکم ارزیابی کرد. در آستانه انتخابات کسانی از ضرورت آزادی سخن گفتند که همین امروز نیز به کارنامه مملو از کشتار و جنایات خود می‌بالند و کسانی از عدالت و کاهش فاصله‌های طبقاتی سخن به میان آوردند که اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های مالی اشان در قمارت "بیت المال" و "مستضعفین" بر کسی پوشیده نیست.

اما تمایل و گرایش به شعارهای آزادیخواهانه و عدالت جویانه در بخشی از نیروهای خط امام را با تمسک هوامغریبان به این شعارها نباید یکسان دانست. فشار نیروهای عظیم روشنفکر کشور برای کسب آزادی و موج هردم فزاینده اعتراضات توده وسیع زحمتکش علیه فقر و گرانی و تنگدستی، در کنار رانده شدن تدریجی اما مداوم "خط امام" به حاشیه حکومت و قرار گرفتن آن در موضع اپوزیسیون داخلی حکومت را باید از جمله عواملی دانست که موجب بازنگری در برخی اندیشه‌ها و مواضع کهنه در یک طیف از این نیروها شده است. انتخابات مجلس چهارم و شوک ناشی از شکست در مرحله اول این

خانه کارگر: می‌خواهند قانون کار را عوض کنند

"خانه کارگر"، تشکیلات کارگری وابسته به رژیم، طی اطلاعیه‌ای که به مناسبت روز جهانی کارگر منتشر ساخت، نسبت به احتمال تغییر قانون کار هشدار داد. در این اطلاعیه خاطر نشان شده است: "با وجود اینکه اکنون یکسال از اجرای موفقیت آمیز این قانون می‌گذرد، هنوز کسانی پیدا می‌شوند که به دلایل واهی و غیر کارشناسی در این گوشه و آن گوشه به تبلیغ علیه قانون کاری که به تصویب تمامی مراجع ذیصلاح کشور رسیده می‌پردازند و متأسفانه شعار تغییر قانون سر می‌دهند." در ادامه این اطلاعیه آمده است: "این قانون کار (که) یک قانون حمایتی است از نقطه نظر آقایان اصولا چگونه می‌تواند هم یک قانون حمایتی باشد و هم جلب نظر تمام و کمال کارفرمایان را بنماید؟"

خانه کارگر ضمن محکوم ساختن جو سازی هلنی که برای خدشه‌دار ساختن این قانون صورت می‌پذیرد، تعدید کرده که نخواهد گذاشت این قانون به سادگی متوقف شود: "باید بدانند قانونی که ثمره سالیان تلاش بی‌وقفه شوراهای و انجمنهای اسلامی و مجلس محترم شورای

در حاشیه رویدادها

مناظره علنی در مورد "ولایت فقیه"

تفسیر متفاوت از "ولایت فقیه" در بین "علما"، کادرها و طرفداران جمهوری اسلامی، گسترش می‌یابد. طرفداران "ولایت فقیه" به طرفداران "ولایت مطلقه" و "ولایت مشروطه" تقسیم شده‌اند و به نوشته روزنامه سلام یک بینش فقهی نیز این است که "اصولا مسئله ولایت فقیه یک مسأله مسلمی نیست" طرفداران این بینش‌ها یکدیگر را به برداشت‌های متحجرانه و شرک آمیز از ولایت فقیه متهم می‌کنند.

چندی پیش در مناظره بین مسئولین روزنامه‌های سلام و رسالت پیشنهاد شد که مناظره‌ای در مورد ولایت فقیه صورت گیرد. سردبیر سلام مناظره بین موسوی خویی‌ها و مهدوی کئی را پیشنهاد کرد و مدیر مسئول رسالت گفت: کئی بیمار است و آذری قمی برای چنین مناظره‌ای

"شریعتی" جاسوس امریکا بود!

جنگ بر سر "شریعتی" دوباره بالا گرفته است. حجت الاسلام خاکی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مراسمی به مناسبت سالگرد ترور مطهری، شریعتی را به شدت مورد حمله قرار داد و وی را فردی "پلید" و "کثیف" نامید که بدستور امریکا "در جهت جا انداختن اسلام منهای روحانیت" بوده است. وی شریعتی را به جاسوسی برای امریکا متهم کرد و گفت که او در سال ۱۳۴۳ در مشهد با "ویلیام چلنجر" ارتباط داشته است. خاکی وعده داد که بزودی استاد مربوطه را منتشر خواهند کرد. این موضوع به مناظره مسئولین نشریات سلام و رسالت در دانشکده فنی تهران کشیده شد. در پاسخ به سؤال دانشجویان مرتضی نبوی (مدیر مسئول روزنامه رسالت) شریعتی را فردی خواند که نوشته‌هایش فاقد روح نیایش و معنویت بوده، به بعضی از علما برجسته اسلامی اهانت‌هایی داشته و "نقل و قول‌های متفاوتی از حضرت امام" دارد و وجود دارد. مهدی سردبیر روزنامه سلام در برابر این اظهارات به دفاع از

تداوم مشاجرات بر سر مسائل فرهنگی

بقیه از صفحه اول

نرمایند که صدا و سیما بیش از گذشته مورد دقت قرار گیرد. سایر تقاضا نیز کاریکاتور مندرج در ماهنامه فاراد را بهانه قرار دادند و خواستار تغییر سیاست‌های فرهنگی و تعطیل یا محدود کردن اجازه انتشار نشریات غیر وابسته به رژیم شدند.

مشاجره بر سر مجله فاراد هم چنان جریان دارد. در سخنرانی خاتمی در دانشگاه تهران، دانشجویان سؤال کردند: "آیا قاضیه مجله فاراد یک قاضیه سیاسی برای منطقی جلوه دادن تعطیل روزنامه‌های مثل "سلام" یا "مجله بیان" نمی‌باشد؟" خاتمی در پاسخ گفته است: "این جرم هم مسئله بسیار هجیبی است که واقعا یا ناشی از نهایت حماقت انجام دهنده این کار بوده یا اینکه یک

برف، باران، سیل و توفان ...

بقیه از صفحه اول

دورتر از این منطقه در آذربایجان غربی تنها در شهرستان ارومیه ۳۴ روستا از سیل آسیب دیدند. افزایش ناگهانی آب سد مجاباد، این شهر را با خطر مواجه کرده است. در استان یزد خسارت حاصله از سیل بیش از یک میلیارد ریال برآورد شده است. توفان و تگرگ در فردوس ۱۰۰ میلیون ریال خسارت وارد آورد و سیل ۱۵۰ خانه در روستائی واقع در تربت جام را ویران کرد. در کرمانشاه، جوانرود، ثلاث و باباخانی شش تن و در دهدشت سه تن کشته شدند. در ایلام سیلاب شهر را فرا گرفت و در ضمن یک سد خاکی در هم شکسته شد. در اراک روستاهای چندی از سیل آسیب دیدند و یک

دستی پشت قاضیه هست که به این

بهاه می‌خواهد مسائل دیگری را مطرح کند از جمله محدود کردن آزادی‌ها را و اهداف دیگری را دنبال می‌کند.

روزنامه کیهان در مطلبی با عنوان "فرصت طلبان دوست نمانند" اعلام کرده است که در وزارت ارشاد عناصری فرصت طلب که در سایه روشن‌های مسیر به کمین نشسته و هراز چندگاهی با سوء استفاده از اطمینان و اعتقاد مسئولان، از درون دروازه راه روی دشمن باز میکنند، هنوز هم بکار خود مشغولند و اخیرا عناصری از همین طیف در وزارت ارشاد خطاب به مسئولان، اعتراضات به فاراد را ناشی از تحریک شدگی قلمداد کرده اند. به گفته کیهان در نوشته نظام آمده است: "در روز سه شنبه ۱۸ / ۱ / ۷۱ طی جلسه‌ای در روزنامه کیهان تصمیم گرفته می‌شود که عده‌ای روز پنجشنبه به دفتر فاراد حمله و به قول یکی از اعضا جلسه، "حال مجله فاراد را بگیرند!" روزنامه کیهان آن را "دروغ بزرگ" تلقی کرده و گفته است که این اقدامات برای بی‌خبر نگاهداشتن مسئولان ذریبط از جریان فاجعه آمیزی است که این روزها و خصوصا طی دو سال اخیر در مرصه فرهنگ و هنر کشور به چشم می‌خورد و تساهل و تسامح وزارت ارشاد، صدا و سیما و برخی دیگر از مراکز ذریبط از جمله عوامل موثر آن بوده و هست."

مشاجرات پیرامون مسائل فرهنگی در درون حکومت هم چنان از حدت برخوردار است. نیروهای تاریخ اندیش بر تهاجمات خود شدت بخشیده‌اند و هر موضوع کوچک و بزرگ را قلم می‌کنند تا برنامه خود را پیش ببرند.

دستکاری در آمار!

بعد از آنکه روزنامه سلام آمار افراد واجد شرایط برای دادن رای در تهران را اعلام کرد و معلوم شد که برخلاف ادعاهای رژیم تعداد شرکت کنندگان انتخابات در تهران به ۴۰ درصد هم نمی‌رسیده است، یک "جنگ آمار" بین این روزنامه و عطاالله مجاهرانی معاون پارلمانی رفسنجانی به راه افتاد. سلام، تعداد واقعی افراد واجد شرایط در تهران را ۴/۵ میلیون نفر اعلام کرد. عطاالله مجاهرانی در ستون "نقد حال" روزنامه اطلاعات برآشفته که: چرا انقلاب و اسلام را تضعیف می‌کنید، در تهران فقط ۳/۲ میلیون نفر می‌توانسته‌اند رای دهند و در نتیجه تعداد شرکت کنندگان از ۵۰ درصد بالا بوده است. سلام پاسخ داد که آمار "نقد حال" جعلی است. در پی این کشاکش معاون پارلمانی طی نامه‌ای به رئیس مرکز آمار دستور داد که جواب روزنامه سلام را بدهد. رئیس آمار جواب داد. اما رقم مذکور را نتوانست خیلی پایین آورد و حد

وسطر اگر نف: ۳/۹ میلیون نفر. معاون پارلمانی بدون آنکه به روی خود بیاورد که رقم فوق با اختلاف دارد، آن را نشانه پیروزی خود گرفت و به روزنامه رقیب پند داد که: در همه جای دنیا رسم است که برای "تقویت روحیه" رقم شرکت کنندگان در انتخابات را بیشتر می‌گویند و شما چرا پرده در می‌کنید؟ آمار روزنامه سلام از رقم ۴/۵ میلیون کوتاه نیامد و باز هم به کتابها و محاسبات آماري استناد کرد.

این "جنگ آمار" نه تنها شکست سنگین رژیم در جلب مردم تهران به انتخابات را آشکار کرد، بلکه نشان داد که دولت چطور و چگونه همه واقعیات و از جمله آمارها را به نفع خود دستکاری می‌کند. از همین "نمونه کوچک" می‌توان تا ته واقعیات آمارهایی را که در باره پیشرفت‌های اقتصادی، مهار تورم، تعداد بیکاران و ... به خورد مردم می‌دهند، خواند!

«سرود ملی» جدید جمهوری اسلامی

شب سوم خرداد، مطابق با دهمین سالگرد آزادی خرمشهر در جریان جنگ با عراق، صدا و سیما جمهوری اسلامی، اقدام به پخش «سرود ملی» جدید جمهوری اسلامی کرد. محمد هاشمی مدیر صدا و سیما طی نامه‌ای به خامنه‌ای ضمن تشریح اقدامات انجام شده برای تهیه سرود جدید، از وی اجازه پخش این سرود را خواست و بدنبال موافقت خامنه‌ای، این سرود که «سرود ملی» جمهوری اسلامی نامیده شده است، برای نخستین بار در ابتدای اخبار ساعت ۲۱ روز دوم خرداد رادیوپخش شد. قرار است این سرود تا روز ۷ خرداد از صدا و سیما پخش شود و سپس در ۷ خرداد، به هنگام افتتاح چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، رسماً جایگزین سرود قدیمی شود. هاشمی در نامه خود به خامنه‌ای به علت تغییر سرود جمهوری اسلامی اشاره‌ای نکرده است.

دانش‌آموزان ایرانی دچار کم‌رشدی هستند

تحقیقاتی که توسط اداره کارشناسان کل تربیت بدنی بعمل آمده است، نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ایرانی از نظر جسمانی دچار کم‌رشدی بوده و در یکی از استانداردهای پائین بین‌المللی قرار دارند. بر پایه این تحقیق یک دختر دانش‌آموز هفده ساله ایرانی از نظر آمادگی جسمانی در ردیف یک دختر نه ساله قرار دارد. یگفته مسئول این اداره دختران ایرانی به دلیل محرومیت‌هایی که تاکنون داشته‌اند نتوانسته‌اند رشد فرهنگی و جسمانی لازم را پیدا کنند.

ملی پو شان فوتبال ایران در هیروشیما

تیم ملی فوتبال ایران با پیروزی بر تیم‌های ملی پاکستان و هندوستان حضور خود را در مرحله نهائی جام ملت‌های آسیا که آبان ماه امسال در هیروشیما (ژاپن) برگزار خواهد شد، قطعیت بخشید. مسابقات تیم ایران با هند و پاکستان در چارچوب بازی‌های مقدماتی گروه سوم این جام برگزار شد. در نتیجه این دیدارها تیم ایران موفق گردید پاکستان را با نتیجه ۷ بر صفر و هندوستان را با نتیجه ۳ بر صفر شکست دهد.

فرشاد پیوس با مجموع سه گل زده - دو گل در مقابل هندوگل در مقابل پاکستان - بهترین گلزن این مسابقات بود. سیروس قایقران کاپیتان تیم ملی ایران نیز به عنوان بهترین بازیکن این بازی‌ها برگزیده شد. تیم ملی ایران به مناسبت پیروزی خود جام «چهار منار» را که از سوی شرکت دخانیات «چهار منار» تأمین کننده هزینه این مسابقات برای تیم قهرمان در نظر گرفته شده بود، دریافت داشت.

تشکیل اجلاس فائو در تهران

بیست و یکمین اجلاس منطقه‌ای خاور نزدیک سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل (فائو) روز ۲۷ اردیبهشت در تهران گشایش یافت. در این کنفرانس «دوارد سانوما» دبیر کل فائو و مقامات و مسئولین کشاورزی ۲۷ کشور شرکت کردند. در این اجلاس مسایل مربوط به بهبود وضع کشاورزی کشورهای شرکت‌کننده و مسایل نظیر استفاده بیعینه از آب و خاک و بیماری‌های دامی و هم چنین همکاری کشورهای منطقه خاور نزدیک در زمینه مسایل کشاورزی مورد تبادل نظر قرار گرفت.

دبیر کل فائو، در سخنرانی خود در نخستین روز اجلاس، به اوضاع وخیم اقتصادی جهان و وضعیت کشاورزی منطقه پرداخت. دبیر کل فائو یاد آور شد: «اوضاع وخیم اقتصادی جهان در اقتصاد جهان سوم و

از میان رویدادها

بخاطر مشاخره با همسر رئیس‌جمهور

حلت رد صلاحیت خانم رجائی برای نمایندگی مجلس توسط شورای نگهبان، مشاخره وی با خانم رفسنجانی بوده است. این مطلب در نشستی از دانشجویان دانشگاه تهران عنوان گردید. در این نشست سردبیران روزنامه‌های رسالت و سلام به پرسش‌های دانشجویان پاسخ می‌دادند. سر دبیر روزنامه رسالت بدون تکذیب این خبر اظهار داشت دلیل رد صلاحیت خانم رجائی سخنان صریح وی در عدم پذیرش رهبری خامنه‌ای بود.

در جمع دانشجویان، سردبیر رسالت بخاطر کشفاندن تیم ملی فوتبال به مبارزه انتخاباتی و حمایت از کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز مورد پرسش قرار گرفت. وی با دفاع از این اقدام

آنها را مدعی شد که این اقدامات در راستای سیاست‌های کلی نظام است. وی افزود که این اقدامات در راستای سیاست‌های کلی نظام است. وی افزود که این اقدامات در راستای سیاست‌های کلی نظام است.

ارقامی رسمی از افزایش بهای کالاها

بانک مرکزی ایران گزارش شاخص بهای عمده فروشی کالاها در یازده ماهه سال ۱۳۷۰ را منتشر کرده است. مطابق این گزارش بهای عمده فروشی کالاها طی مدت مزبور نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۶۹ به میزان ۲۸/۴ درصد افزایش یافت. افزایش بهای گروه مواد خوراکی ۳۲/۵، در گروه محصولات کشاورزی و دامپروری ۳۴/۱ و در گروه ماشین آلات و وسایل نقلیه ۷۳/۱ درصد بود.

ارقام فوق نسبت افزایش بهای کالاها مصرفی را به تمامی ترسیم نمی‌کند، نسبت واقعی افزایش بهای کالاها را نرخ خرده فروشی نشان می‌دهد. افزایش این نرخ همیشه از افزایش بهای عمده فروشی بیشتر است. در سه ماهه گذشته (اسفند، فروردین و اردیبهشت) افزایش بهای کالاها شتاب باز هم بیشتری گرفت. بگونه‌ای که افزایش اخیر حقوق مزدبگیران بخش دولتی را به تمامی بلعیده است. مسئولین دولتی حتی وعده چشم اندازی روشن در معار تومر را برای طول سال جاری نمی‌دهند.

افزایش بهای شیر و ماست

در ماه گذشته بر بهای رسمی ماست و شیر ده درصد افزوده شد و بهای رسمی هر بطری نیم لیتری شیر ۱۰۰ ریال تعیین شده است. این در حالی است که بهای واقعی هر بطری شیر در مقازه‌ها ۱۳۰-۱۱۰ ریال است. با وجود افزایش بهای شیر، شرکت سهامی صنایع شیر ایران اعلام داشته‌است که برای هر بطری شیر ۵۰ ریال و در کل سالیانه ۳ میلیارد تومان سوبسید پرداخت می‌کند. باین حساب و در راستای سیاست سوبسید زردانی دولت رفسنجانی بهای هر بطری شیر رسماً باید به لائق ۱۵۰ ریال برسد. افزایش بهای شیر البته بر میزان مصرف آن تأثیر منفی می‌گذارد که این امر بویژه نتایج سوئی در سلامتی نوزادان و خردسالان بیار خواهد آورد.

آتش‌سوزی در حوضچه نفتی پالایشگاه تهران

در ماه گذشته آتش‌سوزی بزرگی در یکی از حوضچه‌های ضایعات نفتی پالایشگاه تهران روی داد. گسترش دامنه آتش به دیگر حوضچه‌ها می‌توانست فاجعه بزرگی برای محیط‌زیست بیار آورد. بنابه ارزیابی سازمان آتش‌نشانی علت آتش‌سوزی عدم رعایت حداقل ضوابط ایمنی در حوضچه‌ها و انباشتن ضایعات نفتی در فضای باز و مهیر عمومی بوده است. پالایشگاه تهران ضایعات حاصله از پالایش نفت خام را در محلی در جاده قم به داخل حوضچه‌هایی در محل تردد مردم می‌ریزد. چنین وضعیتی بی احتیاطی یک رهگذر می‌تواند تمامی حوضچه‌ها را به آتش بکشاند. چنانکه یکبار در سال عمر چنین حادثه‌ای رخ داده بود. معار آن آتش‌سوزی نزدیک به یک هفته به طول انجامیده بود و در پی آن محدوده وسیعی از منطقه مرکزی کشور از دامنه آلودگی تهران تا زنجان آلوده گردید و به ریزش باران سیاه انجامید.

در خشش کیار ستمی در فستیوال کان

بهاس کیار ستمی که با فیلم «زندگی و دیگر هیچ» در جشنواره فیلم‌های سینمایی کان (فرانسه) شرکت هسته بود، موفق به کسب جایزه «روبرتو روسیلینی» شد. این جایزه معتبر به کسانی اهدا می‌شود که به گونه‌ای در راه پیشبرد صنعت و هنر سینما کوشیده‌اند و روش‌هایی نو وارد سینما کرده‌اند.

داستان فیلم «زندگی و دیگر هیچ» در مناطق زلزله زده شمال ایران جریان دارد. هدف فیلم نشان دادن ادامه زندگی در میان ویرانی حاصل از زلزله و ادامه خوشی در میان فم ماست. فیلم مذکور توسط یک پخش کننده فرانسوی خریداری شده و به زودی در فرانسه بروی پرده خواهد آمد.

کارگردان مشهور ایرانی پس از دریافت جایزه مذکور در مصاحبه‌ای با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه این جایزه را نه تنها متعلق به خود، بلکه متعلق به ایران دانست. وی از علاقه‌ای که نسبت به فیلم وی در کان نشان داده شد، ابراز خوشنودی نمود.

کیار ستمی همچنین فیلم‌های اینچنینی را وسیله‌ای بسیار موثر برای ارتباط گیری با مردمی دانست، که نسبت به ما شناخت فلفلی دارند.

در این دوره از جشنواره کان برای اولین بار فیلمی از ایران در بخش نقاشی متحرک شرکت داده شد. این فیلم که «قلب» نام دارد، کار یک جوان ۲۳ ساله است. داستان این فیلم از این قرار است که جوانی قلبی پیدا می‌کند و در جستجوی صاحب این قلب کم شده برمی‌آید. در نهایت اما او در می‌یابد که قلب پیدا شده متعلق به خود اوست.

گل آقا، برنده تندیس بلورین

روز ۲۶ اردیبهشت ماه پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به پایان رسید. در مراسمی که به این مناسبت برگزار شد، جوایزی از سوی خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی به بهترین ناشران داخلی و خارجی اعطا شد.

در بخش نشریات طنز نامه هفتگی «گل آقا» موفق به کسب تندیس بلورین شد. این تندیس به دلیل فعالیت خوب و موثر این نشریه به آن تعلق گرفت. در بخش کودکان انتشارات مدرسه و انتشارات خدمات آموزشی کسب تندیس بلورین نمایشگاه کودکان و در بخش کتاب بزرگسالان معاونت آموزش و تحقیقات جهاد سازندگی تندیس بلورین را دریافت داشتند. ناشر برتر خارجی این نمایشگاه، انتشاراتی انگلیسی «مک گرو هیل» بود که موفق به کسب تندیس بلورین نمایشگاه شد.

به مناسبت روز جهانی کودک



طرحی از «گل آقا» به مناسبت روز جهانی کودک

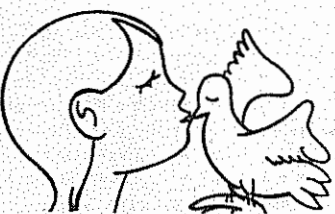
تأکید مجدد مجلس بر منع تحصیل زنان در خارج کشور

هم در جلسه علنی مجلس مردود شناخته شد. به این ترتیب جمهوری اسلامی همچنان مانع تحصیل دختران در خارج از کشور می‌شود.

ممانعت از تحصیل زنان مجرد در خارج از کشور و دیگر مفاد قانون اعزام دانشجویان تجلیات اعتقاد ارتحاهی رژیم فقا در نایربری زنان با مردان است.

مراسم سالگرد تولد دکتر مصدق

به نوشته نشریه خبری حزب ملت ایران اخیراً مراسم صد و دهمین سالگرد تولد دکتر محمد مصدق در روستای احمدآباد برگزار شده که در آن تعداد زیادی از دوستداران وی در این مراسم شرکت داشتند. دکتر محمود مصدق نوه مصدق نیز در این مراسم حضور داشت. شماری از مامورین امنیتی رژیم اسلامی در لباس خبرنگار و فیلمبردار از شرکت کنندگان در این مراسم فیلم تهیه کردند.



به بهانه روز جهانی کودک

کودکان : در جهانی مالا مال از بی عدالتی ها

زندگی بخش‌های وسیعی از کودکان در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند ایالات متحده آمریکا، ژاپن، انگلستان و غیره نیز در بسیاری از موارد قابل مقایسه با زندگی کودکان در جهان سوم است. برخی از متخصصین آمریکایی از "جهان سومی در درون جهان اول"

سخن می‌گویند. تنها در بخش‌های محدودی از اروپا زندگی کودکان از رفاهی نسبی برخوردار است. گرچه ناگفته نباید گذاشت که زندگی اینان نیز در نتیجه روندهای اجتماعی منفی که در سال‌های اخیر و بویژه پس از فروپاشی اردوگاه "سوسیالیسم واقعا موجود" توسعه و تشدید یافته است، روز بروز سخت‌تر می‌شود. ولی این کودکان مره نه تنها دسته کوچکی از کودکان جهانند، کودکی که در فقر و فلاکت دست و پایی زنده و غالباً از آینده‌ای امیدبخش بی‌بهره‌اند.

باید کاری کرد، وگرنه کودکانمان همچنان قربانی خواهند شد.

توسط بودجه‌های نظامی، هزینه‌های تسلیحاتی و جنگ‌های بی‌سرانجام بر باد می‌رود.

پس از فروپاشی شتابزده و غیر منطقی اردوگاه "سوسیالیسم" و درهم ریزی سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی حاکم بر این کشورها، فلاکت‌های گریبانگیر کودکان در این سرزمین‌ها و به نحو دردآوری به جولان پرداخته است. گرچه پیش از آغاز و انجام این فروپاشی، سطح زندگی مردم این کشورها پایین‌تر از پاره‌ای کشورهای پیشرفته صنعتی بود، ولی این واقعیتی است که کودکان در این کشورها از نوعی رفاه برخوردار بودند و آینده‌شان تا حدودی تامین بود. امروزه کودکان اتحاد شوروی سابق یادر جنگ‌های احمقانه، بی‌معنی و بی‌سرانجام نقش داده می‌شوند، یا به دزدی، ماشین شویی و... می‌پردازند.

آن‌ها "دیگر حوصله‌ای برای رفتن به مدارس ندارند"؛ چرا که نه در کلاس‌های درس بلکه در خیابان‌ها می‌توان کسب و کار کرد و پولی به چنگ آورد.

سراسر جهان مشغول به کارند. این آمار طبق تخمین‌های سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) در ژنو، ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون و شاید حتی ۳۰۰ میلیون کودک زیر ۱۵ سال کار می‌کنند. آن‌ها شاق‌ترین کارها را می‌کنند، ولی هیچگونه حتی ندارند. با آن‌ها خودسرانه و وحشیانه برخورد می‌شود. آن‌ها نمی‌توانند عضو هیچ سندیکایی شوند چرا که بسیار کم سنند. آن‌ها در احاطه خطرات، سموم، کثافات و ماشین‌های لعنتی از بین می‌روند.

و خامت زندگی کودکان از دهه هشتاد به این سو در حال گسترش است. یکی از دلایل این افزایش، میزان بدهی‌های بسیاری از کشورهای در حال رشد است. بهره این بدهی‌ها، درآمد‌های این ممالک را می‌بلعد. برنامه‌های تطبیق ساختاری که از جانب صندوق‌های بین‌المللی وام دیکته می‌شوند، تحدید مخارج اجتماعی را اقتضا می‌کنند. آنچه قبل از هر چیز حذف می‌شود، بودجه‌های آموزشی و درمانی است. اما منابع حیاتی مردم

تمیه مطلبی پیرامون ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک دشوار است. ذهن بی‌اختیار در پی نشانه‌های زندگی شاد کودکانه می‌دود و آرزوهای در جستجوی تصویرها و مطالبی پیرامون آن کاویده می‌شود. ولی حاصل، متأسفانه آن نیست که می‌خواهیم. زندگی غالب کودکان در گوشه و کنار جهان، خشن‌ترین و دردناک‌ترین وجه تبارز بی‌عدالتی‌های جهان پیرامون ماست. متأسفانه از زندگی نسبتاً مرفه پاره‌ای از ملل اروپایی و اقلیتی از ثروتمندان و خریداران از رفاه نسبی که بگذریم، این امر تصویر تمام نمای حیات کودکان بر کره خاکی ماست.

آنچه کودکان می‌بینند، می‌چشند و لمس می‌کنند طعم شور اشک است، درد جانکاه تحقیرها و تنبیه‌هاست، گرسنگی، بیماری، در بدری، بی‌خانمانی، وحشت، جنگ، کشتار و چون اینان است؛ حیاتی است بی‌روزنه‌ای از امید. شادی کودکان‌های نیز اگر باشد، اغلب یابره فریب است، یا بسیار کوتاه، چرا که نیش واقعیت دمی دیگر به گریه‌اش بدل می‌سازد.

سالانه هزاران کودک از گرسنگی می‌میرند یا از کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه رنج می‌برند. در مدارس هیچگاه بروی صدها میلیون کودک گوشه نمی‌شود. کودکان به بردگی گرفته می‌شوند. میلیون‌ها کودک در مشاغل بی‌کار می‌پردازند که حتی بزرگسالان از پرداختن به آن‌ها امتناع می‌ورزند و یا اشتغال کودکان به جای بزرگسالان برای کار فرمایان سود آورتر است. میلیون‌ها کودک که جز خود پشتوانه‌ای ندارند ناسد می‌شوند، در خیابان‌های شهرهای بزرگ جسم و جان خود را به معرض فروش می‌گذارند، مورد سوء استفاده جنسی واقع می‌شوند و بدست جایان حرفه‌ای به قتل می‌رسند. هزاران هزار کودک در سراسر جهان در نقش سرباز در جنگ‌ها سهم می‌جویند و در اردوگاه‌های اسرا شکنجه و مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. کودکان بسیاری طعم پیگردها و شکنجه‌های سیاسی را برتن خود می‌چشند.

روزانه بیش از ۴۰۰۰ کودک زیر پنج سال قربانی جنگ و تحوطی می‌شوند و یا در آوارگی جان می‌سپارند. اما بیشترین قربانیان حاصل ابتلا به بیماری‌های مسری مانند اسهالند. بیماری‌هایی که به سادگی قابل درمانند، واکسن سرخ تنها ۱۵ سنت می‌ارزد، ولی سالانه بیش از ۱/۵ میلیون کودک در نتیجه ابتلا به این بیماری جان می‌دهند. بهای داری مورد نیاز برای مداوی اسهال تنها حدود ۱۳ سنت است، ولی سالانه ۲/۵ میلیون کودک در اثر این بیماری می‌میرند. با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار، یعنی مصرف سالانه ودکای مردم اتحاد شوروی، هزینه تبلیغ بیگار در ایالات متحده یا هزینه روزانه تسلیحات جهان میتوان جان نیمی از این کودکان را نجات داد. طبق برآوردهای سازمان ملل در سال ۱۳۶۹ بیش از ۱۴۰ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در

کودکان ایران: قربانیان بی دفاع

مخدر و گسترش فحشا در جامعه اند و حتی در مدارس خود نیز از خطر این دام‌های مهیب در امان نیستند.

هدم برخورداری از حق آموزش به عنوان معضل و مشکل اساسی میلیون‌ها کودک ایرانی باقی مانده است. هنوز درهای مدارس بر روی هزاران هزار کودک و نوجوان بسته است و حکومت اسلامی ثروتمانی جامعه مارا به جای گسترش سیستم آموزشی و خدمات فرهنگی، میلیاردی میلیارد صرف خرید تسلیحات و پر پول ساختن جیب‌های فارتگران می‌سازد.

کودکان و نوجوانان هدف اصلی رژیم در رواج خرافات و گسترش ضد ارزش‌هایی هستند که به نام "ارزشهای اسلامی" به خورد آنان میدهند. شستشوی مغزی کودکان و تخریب ذهن و روان آنها و تلاش‌هایی که برای اسیر ساختن آنها در دام فرهنگ و ایدئولوژی حاکم و تمی ساختن انسانیت دارد صورت می‌گیرد، از آنان از هر آنچه که نشانی از جایتکارانه ترین سیاست‌هایی است که رژیم نسبت به کودکان اعمال میکنند.

این سیاهه راپایانی نیست. هر چند فلاکت کودکان ما تنها در نتیجه سیاست‌های حکومت اسلامی پدید نیامده، اما این حکومت در دامن زدن به این فلاکت نقشی در چه اول داشته و دارد. سیاست رژیم در مواجهه با کودکان، محکوم کننده ترین سندی است که میتوان در محکومیت این رژیم ارایه داد.

کودکان هر ملت روح آن، سرمایه آن و آینده آن ملت هستند. فرهنگ حاکم بر کشور رژیم پاسدار این فرهنگ، در کار نابودی این روح، سرمایه و آینده آنز ملتی که نتواند سعادت امروز کودکان خود را تامین کند آینده ای روشن نخواهد داشت. به خود ایم.

شکنجه، اهانت و تحقیر و سو استفاده جنسی قرار گیرند. رژیم اسلامی که همواره از کودکان و نوجوانان ایرانی نذاکاری و شهادت در راه اهداف خود را میطلبد بالابتدایی ترین نیازهای آنها نیز می‌ستیزد و این آینده سازان را در جنگال جامعه ای خشن که خود پاسدار آن است، رهاساخته است.

میلیونها کودک و نوجوان ایرانی در جنگال فقری جانگناه دست و پا می‌زنند و در آرزوی داشتن سر پناه و بستری برای خفتن و نانی برای خوردن در معرض بیرحمانه ترین تحقیرها

هر سال با فرا رسیدن ۱۱ خرداد (اول ژوئن) نگاه جامعه ما - و یا به عبارت روشنتر بخشهایی از جامعه ما - با کنجکاو ی بیشتری متوجه وضعیت کودکان خویوش میشود. حزب و گروه و جمعیتی به فراخور موقعیت خود، به استقبال این روز می‌رود. حکومت جمهوری اسلامی نیز که خود در پدید آوردن واقعیتیهای دهشتناکی که کودکان ما با آن مواجه اند سهمی انکار ناپذیر دارد. ۱۱ خرداد را گرمی میدارد تا در باره بهبود وضع کودکان و موقعیتهای آنان در سایه "حکومت اسلامی" داد سخن دهد.

اما واقعیت دگر گونه است. وضعیت زندگی کودکان در ایران به نحوی نگران کننده رو به تیرگی می‌رود. زندگی امروز آنان با ناهنجاری‌های بی‌شمار همراه است و آینده آنها در جامعه اسلامی سیاه است. فقر، کار و استثمار و وحشیانه، بیسوادی، فحشا و اعتیاد در کنار تخریب مداوم ذهن و روان کودکان با خرافات مذهبی و سو استفاده‌های غیر انسانی از آنان در جهت اهداف و مطامع پلید قدرتمندان از جمله "دستاوردهای" جمهوری اسلامی برای کودکان ماست.

آنچه که رژیم با کودکان ایرانی در جریان جنگ با عراق کرد، هیچ گاه در تاریخ جنایات این رژیم فراموش شدنی نیست. صدها کودک ایرانی را به وسیله شستشوی های مغزی و تخریب مداوم ذهن آنها از آفوش پدران و مادران خود ربودند، با کلیدهای پلاستیکی بهشت برگردن و بانوار "سید شکن" بر پیشانی، بر روی میادین مین فرستادند و اجساد تکه تکه شده آنها را نشانده حقانیت رژیم و ایدئولوژی خود اعلام کردند. به دست نوجوانان و حتی کودکان اسلحه دادند، آنها را به جنگ فرستادند تا اسیر شوند، در اردوگاههای اسرا در عراق مورد



کودک قربانی جنگ در ایران

مستضعفان

در حرف هم فراموش می‌شوند

بهروز خلیق

جمهوری اسلامی از همان بدو انقلاب مدعی شد که رژیم مستضعفان بوده و می‌خواهد آنها را از چنگال ظلم و ستم مستکبران رهایی بخشد. سال‌ها شعارهایی که بناخواه‌گونان این ادهارا بیان می‌کردند. در دیوارها را پوشانده بود و سران رژیم در خطبه‌های نماز جمعه و در مصاحبه‌ها و در مجامع بین‌المللی آن‌ها جار می‌زدند و بگوش همه می‌رساندند. در حقیقت رژیم اسلامی می‌خواست این گونه وانمود کند که "نظام" ما نه طرف "بالاها" بلکه در صف پایینی‌هاست.

در همل آنچه پیش رفت گسترش فقر و فلاکت مردم، کشانده شدن اقشار وسیعی از جامعه در دایره فقر و انباشته شدن ثروت‌های بی‌سابقه در دست تجار فارتگر بود.

با این وجود جناحی که خود را "پیرو خط امام" مینامید، همواره سخن از تامین منافع و خواسته‌های اقشار کم درآمد جامعه می‌راند و خود را مدافع آن می‌داند.

جناح رسالت که از ابتدا از تجار بازار و فارتگرهای آن دفاع می‌کرد با آن دسته لواچی که به نفع "مستضعفان" بود به مخالفت برمی‌خواست و شورای نگهبان مانع تصویب آن‌ها می‌شد، که گاه این لوایح با تعدیلات به تصویب می‌رسید یا به مجمع تشخیص مصلحت نظام احاله می‌شد و در آنجا تکلیف آنها روشن می‌گردید.

مضاف جناح‌ها با یکدیگر از ابتدای دهه ۶۰ جوانب مختلف داشت که یک جنبه آن همانا طبقاتی بود. گرچه برای جناح خط امام در اصل اسلام و ولایت فقیه مطرح بود ولی در همین حال تامین "تسط" در جامعه جزء اهداف آن به حساب می‌آمد. پلانترم‌های گروه‌های وابسته به این جناح که در جریان انتخابات اخیر منتشر شده است، نشان می‌دهد که آنان باز بر این ارزش تکیه دارند و آن را یکی از وجوه تمایز خود با جناح حاکم می‌دانند.

بعد از مرگ خمینی و انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری وضع در این زمینه تغییر قابل ملاحظه‌ای یافت. شعار دفاع از مستضعفان کم رنگ تر گردید و دولتمردان رژیم کمتر سخنی در این باره بزبان راندند. سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی به افزایش لجام کسبخته قیمت‌ها و تشدید فقر و فلاکت اقشار کم درآمد جامعه منجر گردیده است.

رفسنجانی برنامه دولت خود را بحساب فقر روز افزون "مستضعفان" پیش می‌برد. برنامه‌های او ناظر بر تعدیل فاصله طبقاتی و تامین رفاه زحمتمکشان جامعه نیست. در سه سال اخیر شکاف فقر و ثروت شتاب بیشتری گرفته است.

جناح تندرو که در مجلس شورای اسلامی اکثریت را داشت، لواچی در جبهت کاستن فقر "مستضعفان" و بالا بردن درآمد کارگران و کارمندان به تصویب می‌رساند و دولت را مجبور به اجرای آن می‌کرد. در حقیقت آنچه از مستصف پرووری رژیم اسلامی باقی مانده بود، همین انقلاب مدعی شد که رژیم مستضعفان بوده و می‌خواهد آنها را از چنگال ظلم و ستم مستکبران رهایی بخشد. سال‌ها شعارهایی که بناخواه‌گونان این ادهارا بیان می‌کردند. در دیوارها را پوشانده بود و سران رژیم در خطبه‌های نماز جمعه و در مصاحبه‌ها و در مجامع بین‌المللی آن‌ها جار می‌زدند و بگوش همه می‌رساندند. در حقیقت رژیم اسلامی می‌خواست این گونه وانمود کند که "نظام" ما نه طرف "بالاها" بلکه در صف پایینی‌هاست.

در همل آنچه پیش رفت گسترش فقر و فلاکت مردم، کشانده شدن اقشار وسیعی از جامعه در دایره فقر و انباشته شدن ثروت‌های بی‌سابقه در دست تجار فارتگر بود.

با این وجود جناحی که خود را "پیرو خط امام" مینامید، همواره سخن از تامین منافع و خواسته‌های اقشار کم درآمد جامعه می‌راند و خود را مدافع آن می‌داند.

جناح رسالت که از ابتدا از تجار بازار و فارتگرهای آن دفاع می‌کرد با آن دسته لواچی که به نفع "مستضعفان" بود به مخالفت برمی‌خواست و شورای نگهبان مانع تصویب آن‌ها می‌شد، که گاه این لوایح با تعدیلات به تصویب می‌رسید یا به مجمع تشخیص مصلحت نظام احاله می‌شد و در آنجا تکلیف آنها روشن می‌گردید.

مضاف جناح‌ها با یکدیگر از ابتدای دهه ۶۰ جوانب مختلف داشت که یک جنبه آن همانا طبقاتی بود. گرچه برای جناح خط امام در اصل اسلام و ولایت فقیه مطرح بود ولی در همین حال تامین "تسط" در جامعه جزء اهداف آن به حساب می‌آمد. پلانترم‌های گروه‌های وابسته به این جناح که در جریان انتخابات اخیر منتشر شده است، نشان می‌دهد که آنان باز بر این ارزش تکیه دارند و آن را یکی از وجوه تمایز خود با جناح حاکم می‌دانند.

بعد از مرگ خمینی و انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری وضع در این زمینه تغییر قابل ملاحظه‌ای یافت. شعار دفاع از مستضعفان کم رنگ تر گردید و دولتمردان رژیم کمتر سخنی در این باره بزبان راندند. سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی به افزایش لجام کسبخته قیمت‌ها و تشدید فقر و فلاکت اقشار کم درآمد جامعه منجر گردیده است.

رفسنجانی برنامه دولت خود را بحساب فقر روز افزون "مستضعفان" پیش می‌برد. برنامه‌های او ناظر بر تعدیل فاصله طبقاتی و تامین رفاه زحمتمکشان جامعه نیست. در سه سال اخیر شکاف فقر و ثروت شتاب بیشتری گرفته است.

جناح تندرو که در مجلس شورای اسلامی اکثریت را داشت، لواچی در جبهت کاستن فقر "مستضعفان" و بالا بردن درآمد کارگران و کارمندان به تصویب می‌رساند و دولت را مجبور به اجرای آن می‌کرد. در حقیقت آنچه از مستصف پرووری رژیم اسلامی باقی مانده بود، همین

در همبستگی با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی گزارش مالی برای انتشار در نشریه کار

انجمن همبستگی با خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی در سوئد، طی نامه‌ای با عنوان "پیشنهاد" به نشریه کار اطلاع داده است که مبلغ ۱۹۰۲۷ کرون سوئد جمع آوری شده به منظور کمک به خانواده‌های آزاده زنان و آزاد مردانی که در راه سعادت و آزادی مردم ایران جان باخته و یا در اسارت رژیم مستبد به سر می‌برند را برای صرف در همین راستا در اختیار هیئت تحریریه نشریه کار قرار می‌دهد. در این نامه آمده است:

پیشنهاد هیئت تحریریه محترم نشریه کار! با درودهای فراوان و آرزوهای نیک برای شما عزیزان دست‌اندرکار نشریه، گزارش مالی مربوط به حساب "همبستگی با خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی" به پیوست ارسال می‌شود. متن گزارش مالی منضم این نامه که عیناً در زیر آورده می‌شود، چنین است: گزارش مالی برای انتشار در نشریه کار

در پاییز ۱۹۹۰، به تقاضای عده‌ای، به منظور جمع‌آوری کمک مالی برای خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، شماره حسابی در یکی از بانک‌های سوئد گشوده شد. در این حساب مجموعاً مبلغ بیست و یک هزار و شصت و چهار کرون سوئد (۲۱۶۴۰ کرون) به شرح زیر وارید شد: - ۱۲۵۱۳ کرون، از گوتنبرگ - سوئد - ۴۰۳۷ کرون، از مونیک‌المان - ۵۰۹۰ کرون، از شرکت کنندگان در کنفرانس ۲۱/۱۰/۹۰ سوئد. * * *

تاکنون از کمک‌های جمع‌آوری شده، مبلغ ۶۲۳ کرون برای آونمان صندوق پستی و مبلغ ۲۰۰۰ کرون از طریق آلمان ارسال شد. * * * موجودی حساب مزبور ۱۹۰۲۷ (نوزده هزار و بیست و هفت) کرون سوئد است که به حساب بانکی نشریه کار (Koh-G. Stadtparkasse M.ABDN1, 35263011) موجود است.

باخوانندگان

نشریه کار در شماره اخیر خود متأسفانه بدلیل فنی نتوانست به نامه‌های رسیده از خوانندگان و همکاران گرامی خود پاسخ بدهد. باپوزش بخاطر تاخیر در این امر، امیدواریم که بتوانیم از تکرار این وضع نامطلوب جلوگیری کنیم. و اما پاسخ ما به دوستانی که دلسوزانه از راه دور برای بهبود کار نشریه و ارتقای فعالیت آن میکوشند:

* همکار گرامی آقای کیخسرو مهرآئین! از همکاری مسئولانه شما با نشریه کار صمیمانه سپاسگزاریم. ترجمه شما تحت عنوان "درس‌های شورش" و مصاحبه‌ای که با پروفیسور هلی اوفلی داشتید دریافت کردیم در اولین فرصت از مطالب ارسالی شما استفاده خواهد شد. خواهان ادامه همکاری شما هستیم. * دوست گرامی آقای سیاوش از ژاپن! با تشکر از ابراز لطفی که در نامه‌تان نسبت به کارکنان نشریه ابراز داشته بودید، به درخواست اول شما عمل کردیم. در مورد پرسش دوم شما باید بگوئیم که انتشارات سازمانی ما از طریق نشریه کار اعلام میشود. شما میتوانید از این طریق از انتشارات ما مطلع شوید. در باره استفاده دوطرفه از فاکس، رویه کار ما صرفاً دریافت فاکس از خوانندگان گرامی است. از دور دست شما را می‌بخشایم. * دوست عزیز بهزاد تهران! نامه کوتاه و صمیمی شما را که همراه اظهار نظرتان پیرامون فعالیت در داخل کشور برایمان فرستاده‌اید، دریافت کردیم. توجه مسئولانه شما به سرنوشت فعالین داخل کشور قابل تقدیر است. نشریه کار، در اولین امکان مطلب ارسالی شما را جمع‌آوری و در داخل را منعکس خواهد کرد.

* خواننده گرامی آقای مسعود آبادانی مطلبی تحت عنوان "تاریخ را وارونه جلوه نکنید" برای نشریه ما فرستاده‌اند و در آن نسبت به نکاتی در مقاله "حقیقت و حقیقت" مندرج در شماره ۲۷ کار به تندی انتقاد کرده‌اند. آقای مسعود آبادانی در نامه‌اشان نوشته‌اند که این موضوع که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از آزادی خرمشهر و شکست نقشه‌های عراق ادامه جنگ را بی‌معنی و ارتجاعی دانست و با آن به مخالفت برخاست، بهیچوجه حقیقت نداشته است. ایشان با طرح پرسش‌های متعددی خواسته‌اند که نشریه کار توضیح دهد که کجا و در چه زمانی سازمان این موضع را اتخاذ کرده است.

نظیر این انتقاد آقای آبادانی، بمناسبت روز اول ماه مه، کنگداسیون سراسری کارگران فرانسه ث - ژ - ت (C-G-T) راهپیمایی گسترده‌ای با شرکت زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک سازمان داده بود که در آن نیروهای مترقی ایرانی در فرانسه در صف واحد فعالانه شرکت جستند. بمنظور تامین شرکت متحدانه نیروهای ایرانی در این راهپیمایی، نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران،

شهادی فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ اطلاعاتی در اختیار ما گذاشته‌اند. ایشان در معرفی شهید کاظم تمدن فر نوشته‌اند که شهید تمدن فر متولد رضائیه (ارومیه) بود و در موقع اعدام ۶۶ سال داشت. اعدام او بدست دژخیمان در ارومیه صورت گرفت و در قطعه اعدامیان قبرستان این شهر خاک سپرده شد. با تشکر از دوستان صادق بخاطر اطلاعاتی که در اختیار ما قرار داده‌اند، به اطلاع ایشان میرسانیم که به تقاضایشان در اسرع وقت عمل خواهیم کرد.

* دوست گرامی آقای حسن منصوروی! تاکنون شش نامه که همه آنها دارای یک مضمون واحد بودند از شما دریافت کرده‌ایم. توضیحات شما را به تشدید خود خارج می‌کنیم. در آلمان را خواندیم.

نشریه کار افزایش فعالیت‌های نژاد پرستانه و خارجی ستیزی نیروهای دست راستی را وظیفه خود میدانند و در بازتاب اخبار مربوط به مبارزه نیروهای مترقی و دموکراتیک علیه این فعالیت‌ها میکوشد. از شما متشکریم. * دوست گرامی آقای گورگنلی از سوئد

از نامه محبت آمیزتان متشکریم. تذکر شما در مورد استفاده درست از اسامی امروزی جمهوری‌های پدید آمده از تلاشی اتحاد شوروی سابق بجاست. ما هر یک از جمهوری‌های عضو جامعه دولت‌های مستقل را با نام و هویت خود معرفی می‌کنیم.

و سؤال شما درباره اینکه منظور ما از طرح خطر ناسیونالیسم در مرزهای شمال ایران مندرج در مقاله کار شماره ۲۶ چه بوده است، پاسخ بسیار کوتاه ما آنست که ما ضمن آنکه بیداری ملی و هویت یابی ملی را نه تنها خطر نمی‌دانیم بلکه حتی طبیعی و مسلم هر خلق و ملتی می‌شناسیم، اما آنجا که ناسیونالیسم و قوم‌گرایی از هر نوع که باشد، مبنای تفکر و اتخاذ سیاست قرار میگیرد، فاجعه زاده میشود. نمونه آن، وضع بسیار نگران کننده‌ای است که هم اکنون در آن سوی مرزهای شمال شرقی و غربی کشورمان بوجود آمده است. امیدواریم که بتوانیم در نشریه کار، روندهای خطرناک ناشی از نزون طلبی ملی در منطقه خودمان را منعکس کنیم و مواضع صحیح در قبال آنها را ترویج دهیم.

* دوست گرامی آقای مهدی دوزنده خراسانی! مدتی قبل نوشتار شما به همراه نامه‌ای را که بیانگر وضع دردناک جوانان میهنمان است دریافت کردیم. در آینده نزدیک از این نوشتار و نامه در نشریه استفاده خواهیم شد. دست شما را به گرمی می‌بخشایم.

* دوست گرامی آقای مهدی دوزنده خراسانی! مدتی قبل نوشتار شما به همراه نامه‌ای را که بیانگر وضع دردناک جوانان میهنمان است دریافت کردیم. در آینده نزدیک از این نوشتار و نامه در نشریه استفاده خواهیم شد. دست شما را به گرمی می‌بخشایم.

فراخوان برای شرکت در صف واحد

در تظاهرات روز اول ماه مه با شعارهای: - گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران - سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و دموکراسی - زندانیان سیاسی آزاد باید گردند. - دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان فعالانه شرکت کنیم - کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه

راه کارگر)، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدایی - ایران طی نشست کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه را تشکیل دادند. این کمیته، فراخوانی خطاب به ایرانیان دموکرات و ترقیخواه مقیم فرانسه صادر کرد که متن فراخوان چنین است: فراخوان هم میهنان گرامی!

بناسبت روز اول ماه مه، کنگداسیون سراسری کارگران فرانسه ث - ژ - ت (C-G-T) راهپیمایی گسترده‌ای با شرکت زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک سازمان داده بود که در آن نیروهای مترقی ایرانی در فرانسه در صف واحد فعالانه شرکت جستند. بمنظور تامین شرکت متحدانه نیروهای ایرانی در این راهپیمایی، نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران،

بناسبت روز اول ماه مه، کنگداسیون سراسری کارگران فرانسه ث - ژ - ت (C-G-T) راهپیمایی گسترده‌ای با شرکت زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک سازمان داده بود که در آن نیروهای مترقی ایرانی در فرانسه در صف واحد فعالانه شرکت جستند. بمنظور تامین شرکت متحدانه نیروهای ایرانی در این راهپیمایی، نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران،

اول مه، تجلی همبستگی

در آستانه روز اول ماه مه امسال، جمعی از ایرانیان دموکرات و همدلتخواه ساکن سوئد بمناسبت روز جهانی زحمتکشان اعلامیه مشترکی با عنوان "در اهتزاز باد درفش آزادی و عدالت اجتماعی" به امضای "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" صادر کردند که در آن آمده است:

این اعلامیه را تشکلهای سیاسی زیر امضاء کرده‌اند: - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد - حزب دموکرات کردستان ایران - سوئد - کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران - سوئد - حزب دموکراتیک مردم ایران - سوئد - سازمان فدایی ایران - سوئد - سازمان فدائیان خلق ایران سوئد

اعتراض علیه سرکوب فرهنگ و هنر

مدیر نشریه و کارکنان آن را بازداشت میکنند... انفجار در دفتر محله "دنیای سخن" و زخمی شدن تعدادی از کارکنان آن نشریه که خبر آن در بیشتر جراید آمده است، بار دیگر نشان داد که ادعای رژیم جمهوری اسلامی در زمینه رعایت حقوق فردی زندان و روشنفکران در جامعه، چیزی بیشتر از یک جلوه فروشی نبوده است... کانون نویسندگان ایران (در تبعید) ضمن اعلام نگرانی از سرنوشت بازداشت شدگان حوادث اخیر، از تمام مجامع مترقی و فرهنگی جهان می‌خواهد که در دفاع از جامعه روشنفکران ایران که قربانیان نخستین این هجوم تازه‌اند، با ما همصدا شوند. ۴

اخیراً هیات دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید) طی صدور بیانیه‌ای به موقع، به موج نوین حمله به نهادهای مستقل فرهنگی و هنری در جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرده است که در بخشی از بیانیه چنین گفته می‌شود: "در هفته‌های اخیر یورش به نهادهای مستقل فرهنگی و هنری در ایران ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. دفتر نشریه "ناراد" به دستاویز چاپ کاریکاتوری مورد هجوم حزب‌الله قرار میگیرد... دولت جمهوری اسلامی ایران طعنه‌آمیز ادعای سال‌های اخیرش در مورد باز کردن فضای سیاسی کشور در عرصه فعالیت‌های هنری و فرهنگی، نه تنها متجاوزین را تحت تعقیب قرار نمی‌دهد، بلکه

جنگ در آمریکا، فراتر از جنگ نژادی است

می‌کنند. اقتضای فوقانی این جمعیت، در شورش اخیر شرکت نداشتند. نیروی اصلی شورش امسال، محروم‌ترین بخش جمعیت شهری آمریکا بود که اکنون، به همان اندازه که با اقتضای میانی سفید پوست فاصله دارد، از اقتضای میانی سیاه پوست نیز متغایر است. حملات متعدد به مغازه‌های متعلق به کراهی‌ها در لوس‌آنجلس، نشان داد که جامعه آمریکا را دیگر نمی‌توان با الگوی سیاه و سفید تجزیه و تحلیل کرد. این جامعه مدتهاست که به جامعه‌ای متشکل از گروه‌های قومی متعدد، از سیاه و سفید گرفته تا آسیایی، اسپانیایی زبان، کارائیبی و غیره تبدیل شده است. بحران نژادی در دهه ۱۹۶۰، جای خود را به تنش‌های دیگر جوشانی داده است که در آن، رنگهای سیاه و سفید دیگر به آسانی قابل تشخیص نیست.

برخی نظریه پردازان آمریکایی با ادامه استفاده از مفهوم نژاد در بررسی‌های اجتماعی مخالفند و این مقوله را متعلق به گذشته می‌دانند. برخی حتی می‌گویند که مدافعان تبعیض نژادی کماکان از مقوله نژاد نام می‌برند تا سیاهان را در موقعیت پست‌تر نگه دارند. این نظریه پردازان چنین استدلال می‌کنند که چرا باید فرزند یک ازدواج مختلط، کماکان "سیاه" تلقی شود؟ "اسپانیولی" مفهومی بی‌پایه است که مردمی از اقوام و ملت‌های مختلف را به صرف اشتراک در زبان مادری، یکسان می‌گیرد. "سفید" هم در حقیقت بی معنی است. اگر سفید پوستان، شهروندان اروپایی الاصل آمریکا را در برگیرند، این طیف خود اقوام و ملل گسترده را در بر می‌گیرد که حتی در رنگ چهره هم اشتراک ندارند و به لحاظ اصل و نسب با ایرانی‌ها و هندی‌ها نیز مشترکند. در آمریکا هر چه زمان می‌گذرد، مرزهای میان گروه‌های قومی مخدوش‌تر می‌شود. آمریکایی فردا، انسانی است که دیگر نمی‌توان او را در چارچوب این یا آن نژاد قرار داد. بدون تردید، تعمیم این استدلال، که در مورد نژاد جامعه آمریکا صدق می‌کند، به زمان حال، هجولانه است. هنوز انسان‌ها در آمریکا بخاطر رنگ پوست خود مورد تبعیض قرار می‌گیرند. اما در کنار تنش صدها ساله‌ای که از این تبعیض نشأت می‌گیرد، تنش‌های جدیدی شکل گرفته‌اند که تنها در مجموع خود، توضیح دهنده ریشه‌های آتش ماه گذشته در لوس‌آنجلس‌اند.

خشونت‌هایی که در لوس‌آنجلس فوران کرد، از یک سو ناشی از تمرکز بی‌سابقه فقر و محرومیت در شهرهای بزرگ، و از سوی دیگر نتیجه فروپاشی پرشتاب نظام ارزشی جامعه آمریکا است که این کشور دهه‌هاست به داشتن آن می‌بالید و یا ادعا می‌کرد که دارد و به آن می‌بالد. اکنون بسیاری از جامعه‌شناسان آمریکایی معتقدند که تقسیم به شدت نابرابر ثروت میان طبقات حاکم و اقتضای میانی از یک سو و محرومیت شهری از سوی دیگر، و نیز زوال ارزش‌های جامعه آمریکا، ثمره حکومت تاولی

ماه گذشته، لوس‌آنجلس دومین شهر بزرگ ایالات متحده و بدنبال آن، چند شهر بزرگ دیگر، شاهد ناآرامی‌های خونینی بود که از تیرنه چهار پلیس سفید پوست در محاکمه به جرم ضرب و شتم یک سیاه‌پوست تا سرحد مرگ آغاز شد. جرقه‌ای که لوس‌آنجلس را به آتش کشید، ناشی از واقعه‌ای بود که در آمریکای پایان قرن بیستم، هنوز هم پدیده‌های هادی است. طبق یک نظر خواهی موسسه گالوپ، ۴۶ درصد سفید پوستان آمریکا اذعان دارند که سیستم قضایی این کشور در مورد هم نژادان خود آنها سخت‌گیری کمتری روا می‌دارد تا در مورد سیاهان. این نظر خواهی نشان داد که تنها ۳۸ درصد سفید پوستان، معتقدند در برابر دادگاه‌های آمریکا سیاه و سفید برابرند. در میان سیاهان، ۷۵ درصد بر آنند که توسط دادگستری ایالات متحده از بابت جرمی یکسان، سخت‌تر مجازات می‌شوند. فقط ۱۶ درصد سیاه‌پوستان به برابر حقوقی خود در مقابل دادگاه‌ها باور دارند. نتایج این نظر خواهی نشان می‌دهد که اکثریت مردم ایالات متحده، بی‌عدالتی در سیستم قضایی کشور خود را احساس می‌کنند. رای دادگاه لوس‌آنجلس نشان داد که وجود این بی‌عدالتی ساخته و پرداخته ذهن این و آن نیست.

تبعیض نژادی تنها به نظام قضایی آمریکا محدود نمی‌شود. اکثریت مردم سیاه‌پوست در زمره اقتضای پایینی جامعه آمریکا محسوب می‌شوند. فردی که در یک خانواده سیاه‌پوست دنیا می‌آید، در مقایسه با هموطن سفید پوستش از امکانات بسیار کمتر رفاهی، آموزشی و بهداشتی برخوردار است و بعد است که به دانشگاه راه یابد یا به لحاظ اجتماعی ترقی کند. در میان مقامات دولتی و مدیران موسسات و شرکت‌های خصوصی، درصد سیاه‌پوستان بسیار کمتر از سهم آنها در جمعیت است. اینها واقعیاتی است که کمتر شهروند ایالات متحده از آن بی اطلاع است. وقتی تفاوت‌های لوس‌آنجلس روی شبکه‌های تلویزیونی رفت، همه آمریکایی‌ها بیاد آورند که در کشورشان هنوز تبعیض نژادی حاکم است. در ذهن مردم، خاطره وقایع دهه ۱۹۶۰ زنده شد؛ جنبش برابر حقوقی سیاهان، درگیری‌های ناآرامی‌های ۱۹۶۸، بار دیگر، جوانان سیاه‌پوست به خیابان‌ها ریختند تا خشم خود را از بی‌عدالتی ابراز کنند و بار دیگر، سفید پوستان از آتشی که ممکن بود بر لحظه دامن هریک از آنها را بگیرد وحشت زده شدند. فارت و خشونت، بار دیگر بر صحنه‌های تلویزیونی نقش بست. بار دیگر همه از خود پرسیدند که آمریکا کی از شر این دوگانگی دیرین که جامعه را عملاً به دو بخش مجزا و نابرابر، و به دو بخش سیاه و سفید تقسیم کرده است، رها خواهد شد. اما این دوگانگی، با آن وضوحی که سی سال پیش به چشم می‌خورد، دیگر وجود ندارد. در آمریکا سی میلیون سیاه زندگی

یک رهبری سیاسی است که برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، نسخه‌ای جز توسل به "معجزه خود درمانی بازار" ارائه نداد و هیچ ضرورتی نیز ندید که لاقدر در حرف، به طرحی برای گذار به جامعه‌ای بهتر بپردازد. این واقعیت که اکثریت اقتضای محروم شهری را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند، ریشه‌های تاریخی دارد. با آغاز صنعتی شدن جامعه آمریکا، که با رهایی سیاه‌پوستان از بردگی همزمان بود، سیاهانی که تا آن هنگام در مزارع جنوب کار می‌کردند، به مراکز عمده شهری که محل استقرار صنایع بود، اسکان یافتند. آنها تازماتی که مرکز صنایع، در جوار مراکز شهرها قرار داشت بخش بزرگی از نیروی کار مورد نیاز این صنایع را تشکیل می‌دادند. اما از اوایل دهه ۱۹۶۰، صنایع آمریکا دچار تغییرات ساختاری شد و مساهل کارگران غیر ماهر که تا آن زمان بخش اعظم نیروی کار سیاهان در آن فعالیت می‌کرد، بیش از پیش به حومه شهرها منتقل گردید. در همین حال، موفقیت‌های جنبش برابر حقوقی، به بخشی از سیاهان که اکنون سهم آنها در کل جمعیت سیاه‌پوست حدود ۴۰ درصد تخمین زده می‌شود، امکان داد تا از امکانات تحرک اجتماعی استفاده کنند. اکثر آنها محل سکونت خود را به حومه شهرها منتقل کردند. فقیرترین بخش سیاه‌پوستان در مراکز شهرها باقی ماندند و آماج بلاهای بحران‌های دوره‌های سرمایه‌داری قرار گرفتند. به ویژه بیکاری قبل از همه در میان این اقشار قربانی می‌گرفت.

پاسخ نظام اقتصادی و سیاسی آمریکا به این فقر فزاینده که از جمله عوامل ناآرامی‌های دهه ۱۹۶۰ بود در آغاز اجرای برنامه‌های رفاهی معینی بود که به اکثریت ساکنان فقیر مراکز شهرها امکان بقا داد. بی‌تردید اجرای این برنامه‌ها علت اصلی مصون ماندن جامعه آمریکا از شورش‌هایی به سبک دهه ۱۹۶۰ در دوره بعد از آن بود. از آغاز دهه ۱۹۸۰، محافظه‌کاران نوین در آمریکا قدرت را بدست گرفتند. برنامه سیاسی و اجتماعی - اقتصادی آنها شامل دو عنصر اصلی بود: ۱- عقب نشینی دولت از اقتصاد، حذف برنامه‌های رفاهی و اجتماعی، کاهش مالیات سرمایه‌داران و اقتضای میانی. ۲- افزایش چشمگیر هزینه‌های تسلیحاتی با هدف جنگ صلیبی علیه کمونیسم. هر دو سیاست، به ضرر محروم‌ترین اقشار جامعه آمریکا تمام شد. آنها از حمایت دولت در شرایط بحرانی اقتصادی محروم شدند، در حالی که کاهش مخارج اجتماعی دولت نه تنها به حواشی مثبتی که محافظه‌کاران نوید می‌دادند منجر نشد، بلکه با ولخرجی شدید برای مجز شدن به سلاح‌های هر چه بیشتر و هر چه مجزتر همراه گردید. دولت آمریکا در ابعادی مغرض شد که در تاریخ بشر سابقه ندارد. اقتصاد آمریکا و بویژه محروم‌ترین اقشار، اکنون بجای این پدیده اقتصادی را می‌پردازند.

در ایالات و شهرهایی که حزب دمکرات زمام امور را در دست دارد، سال‌هاست که روند خصوصی کردن موسسات دولتی آغاز شده است. دمکرات‌ها در مبارزه انتخاباتی خود، دیگر بر نقش دولت به مثابه تخفیف دهنده هوارض منفی اقتصاد بازار آزاد، تاکید چندانی ندارند. کلیتتاً می‌خواهد پرداخت کمک هزینه به مادران مجرد را به دو سال محدود کند تا از "جاذبه زندگی بدون کار" کاسته شود. دمکرات‌ها نیز مانند جمهورخواهان، مدافع "نظم و قانون" شده‌اند و شعار "مبارزه با جنایت" را سر داده‌اند. هیچ یک از دو حزب عمده آمریکا، به مردم نمی‌گوید که کلیت نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده دچار بحران است و به تحوولی بنیادی، به انداختن طرحی نو نیاز دارد. در آمریکا، دو حزبی که از آغاز قدرت را میان خود تقسیم کرده‌اند، به ضرورت پرستویکایی که در طبیعت خود، منافع الیگارش حاکم را هدف قرار خواهد داد اشاره‌ای ندارند. و بسیار بعید است که در آینده‌ای نزدیک، جنبشی از پایین بتواند عناصری از چنین تحوولی را به بالایی‌ها تحمیل کند. پایینی‌ها، سردرگم‌تر از آتند که خود را در چنین جنبشی بیابند.

تظاهرات وسیع اول ماه مه در سوئد

از این قبیل بودند: "نه به بازار مشترک اروپا"، "کار برای همه"، "عدالت - آزادی - دموکراسی - همبستگی"، "نژادپرستی را متوقف کنید" و "قتل عام مردم کرد را متوقف کنید".

مراسم روز جهانی کارگر در سوئد با شور و شوقی زیاد و با جمعیتی حدود ۲ برابر پارسل برگزار شد. مراسم امسال با توجه به پیروزی راست‌گرایان در انتخابات سیتامبر ۹۱ دارای رنگ و کاراکتر خاصی بود. حکومت راست‌ها با اقدامات خود تغییر همه جانبه سیستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی سوئد را هدف قرار داده‌اند و در طی این مدت کوتاه اثرات منفی این سیاست‌ها از جمله بیکاری روزافزون، گرانی و کاهش قدرت خرید و... دامنگیر اقشار زحمتکش مردم شده است. و به همین دلیل شرکت گسترده اقشار مختلف زحمتکش سوئد در این مراسم را می‌توان نشانه آشکار اعتراض و جبهه‌گیری در مقابل این سیاست‌ها تفسیر کرد.

سوئد در تب و تاب تحولات جدی است. از طرفی جهت‌گیری تقسیم ناعادلانه درآمدها و مالیات‌گیری دولت راست‌ها برای حل بحران اقتصادی موجود این کشور و از طرف دیگر تقاضای عضویت سوئد در بازار مشترک اروپا، که خود بوجود آورنده مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی بیشتر شده و خواهد شد. در استکهلم بیش از ۳۵ هزار نفر در صف سوسیال‌دموکرات‌ها و ۲۰ هزار نفر در صف حزب چپ‌ها و گوئترنگ ۲۰ هزار نفر در صف و متینگ سوسیال‌دموکرات‌ها و حدود ۴ هزار نفر در متینگ چپ‌ها شرکت کردند.

تظاهرات کنندگان استکهلم در حالی که پرچم‌های سرخ و یلکاردهایی با شعارها و خواست‌های ترقیخواهانه در دست داشتند با همراهی موزیک متن ارکستر سروا انتر ناسیونال، شعارهای پرطنین خود را فریاد می‌زدند. نه فروپاشی "اردوگاه سوسیالیسم" و نه پیروزی ائتلاف راست در کسب قدرت از شور و هزم بزرگداشت این روز کم نکرد بلکه می‌توان گفت برخلاف تحلیل راست‌ها، انگیزه مبارزه در صف چپ‌ها در سوئد بیشتر شده است. برخی از شعارها

دولت ترکیه هفته گذشته هشدار داد که در صورت ادامه تعرض ارمنه، به سوئد آذربایجان مداخله خواهد کرد. جمهوری اسلامی نیز که تاکنون در میانجی‌گری میان دو جمهوری قفقاز ناموفق بوده است، نسبت به هواپ گسترش مخاصمه هشدار داد. اما آنچه که از حساسیت بیشتری برخوردار بود، اخبار ارتش مشترک جامعه کشورهای مستقل (شوروی سابق) به دولت ترکیه در پی تهدیدات این دولت بود. در این اخبار تصریح شده بود که اگر نیروی خارج از منطقه ماوراء قفقاز بخواهند در امور این منطقه دخالت نظامی کنند، این ارتش واکنش تندی از خود نشان خواهد داد و احتمال وقوع جنگ جهانی سوم وجود خواهد آمد.

قدرت‌گیری جبهه خلق در آذربایجان

بقیه از صفحه ۱۲

آذری شهرها و روستاهای قره‌باغ و اطراف آن انجامیده است. بسیاری از این آوارگان به باکو پناه آورده‌اند. آوارگی این مردم و تلفات سنگین در میان نیرهای نظامی و افراد غیر نظامی آذری، به خشم بسیاری از مردم آذربایجان از آنچه از نظر آنها بی‌کفایتی دولت باکو در مقابله با ارمنه است، دامن زد و به بالا گرفتن روحيات ناسیونالیستی انجامید. این روحيات، زمینه مساعدی برای قدرت‌گیری جبهه خلق آذربایجان فراهم آورد.

برخی سیاستمداران جبهه خلق، روسیه و ارتش سرخ را که هنوز در منطقه حضور دارد، متمم می‌کنند که در درگیری قره‌باغ، به ارمنه کمک کرده و اسلحه در اختیار آنها گذاشته‌اند.

کلام هفته

"ضعیف‌ترین کشورهای جهان، آنهایی بوده‌اند که رهبران یک زن بوده‌اند. این بدان معنی نیست که اسلام مخالف زنان است. برعکس، اسلام به زنان احترام می‌گذارد و میگوید زنان و مردان برابرند. اما کشورهای

ضعیف، رهبران زن است."

صبغت‌الله مجددی، رئیس جمهور موقت افغانستان، در پاسخ به این سؤال که چرا فکر می‌کنند یک مرد باید زمام امور کشور را در دست داشته باشد.

رفتار دیکتاتورها مشابه است

در اوایل ماه مه امسال، بر اثر حمله جنایتکارانه ارتش پرو به زندان‌های این کشور، صدها نفر از زندانیان سیاسی پرو کشته، مجروح و ربوده شدند. دولت پرو در توجیه این جنایت تکان دهنده ادعا کرد که زندانی‌ها مجرم به سلاح‌های سنگین، دست به شورش زده بودند.

رژیم شاه نیز وقتی در روز سی‌ام فروردینماه سال ۱۳۵۴، گروهی از زندانیان سیاسی سرشناس (بیژن جزئی و هشت تن دیگر) را چشم بسته در تپه‌های اوین تیرباران کرد، به دروغ مدعی شد که آنها قصد فرار از زندان را داشتند.

رژیم خمینی نیز وقتی در نیمه سال ۱۳۶۷ سفاکانه چند هزار زندانی سیاسی را بنحو فجیعی قتل

عام کرد، بیشرمانه مدعی شد که آنها در هجوم نظامی از خاک عراق مشارکت داشتند.

دیکتاتورها، همسان عمل میکنند. رفتار آنها هم در نحوه عمل و هم در توجیه عمل مشابه است. آنچه که در زیر می‌آید بر گرفته از شماره ۱۳ مه ۱۹۹۲ نشریه همبستگی چاپ بلژیک است.

کشتار جمعی زندانیان سیاسی در پرو



در زندان "سانتوگراند" CANTO GRANDE بیش از ۶۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد که اغلب این زندانیان در دوره‌های گوناگون دستگیر و به زندان منتقل شده‌اند. شرایط زندگی در این زندان بسیار نامناسب و غیر انسانی است. از سال ۱۹۸۰ به بعد، دولت پرو مبادرت به اتخاذ روشی جنایتکارانه جهت حذف فیزیکی زندانیان سیاسی کرده است. این روش برای تضعیف روحیه نیروهای انقلابی و دمکرات این کشور و بوجود آوردن ترس و وحشت در میان مردم اتخاذ شده است تا بدین طریق امکان فعالیت نیروهای اپوزیسیون محدود و محدودتر شود. در سال ۱۹۸۵ تعداد ۳۰ زندانی سیاسی و در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۶ در حدود ۳۰۰ زندانی سیاسی بر اثر هجوم وحشیانه ارتش پرو به زندانها به قتل رسیدند. دولت بعد از کودتا برای حفظ خودش به سرکوب وسیعی دست زده است بخصوص اینکه در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد کشور پرو در کنترل نیروهای چریکی درآمده است. در اوایل ماه مه دولت پرو برای انتقامجویی، طرح حمله‌ای را به زندان "سانتو گراند" سازماندهی کرد و ارتش در تاریخ ۶ مه به این زندان یورش برد و بیش از صد زندانی سیاسی را بی‌رحمانه به قتل رساند و صدها تن دیگر را زخمی کرد. در این عملیات ۸۰ زندانی ناپدید شدند (که اغلب به زندانهای مخفی ارتش انتقال داده شده‌اند). توجیه ارتش و دولت پرو برای این عملیات جنایتکارانه چنین بود: زندانیان با مجرم شدن به اسلحه‌های سنگین و مواد منفجره، شورش بزرگی را در زندان برافروختند. اما هیچک از مقامات حکومت پرو توضیح ندادند که اسلحه‌های

سنگین و مواد منفجره چگونه بدست زندانیان رسیده است! دولت پرو این جنایت بزرگ را زمانی راه انداخت که چند هفته قبل یعنی هفته دوم ماه آوریل ۱۹۹۲، مقامات قضایی دولت پرو به همراهی صلیب سرخ جهانی و کمیسیون حقوق بشر کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکا (OEA) بمنظور تحقیق و بازرسی از زندان سانتوگراند دیدن کرده و اسلحه‌های رادر آنجا

مشاهده نکرده بودند. متأسفانه وسایل ارتباط جمعی در کشورهای اروپایی و آمریکایی مبادرت به درج واقعت نکردند و برای سرپوش گذاشتن بر جنایت دولت ارتش پرو به درج اطلاعاته و خبر از جانب مقامات دولتی پرو اکتفا کردند تا بار دیگر واقعت را در بین افکار عمومی اروپائیان وارونه جلوه دهند.

انتخابات در کردستان عراق

انتخابات به مرحله دوم کشیده شد که قرار است دو ماه بعد برگزار شود. ناظران سیاسی بر آنند که مردم کردستان عراق در این انتخابات قبل از همه بین دو سیاست متفاوت که از سوی این دو نیروی همدمه در برخورد با چند موضوع گریزی روز وجود دارد، دست به انتخاب زنند.

شرکت کنندگان در انتخابات، به کاندیداهای حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی رای داده‌اند و ۴۹ درصد بقیه کاندیداهای جبهه میهنی به رهبری جلال طالبانی را برگزیده‌اند. بدین ترتیب هیچک از دو نیروی همدمه در جنبش ملی کردستان عراق نتوانست اکثریت آراء را بدست آورند و در نتیجه، طرفداران زیادی دارد.

بقیه از صفحه آخر در اردوگاههای آوارگان ثبت نام شدند و در انتخابات هفته گذشته حق رای داشتند. همچنین در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار پناهنده کرد که هنوز در ایران و ترکیه به سر می‌برند نیز از حق رای برخوردار بودند. اتحادیه میهنی در میان مردمی که از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند، طرفداران زیادی دارد.

هیات نظارت بر انتخابات کردستان برای راه یافتن به پارلمان یک حد نصاب ۷ درصدی تعیین کرده است. از این رو بعید به نظر می‌رسد احزاب دیگری بجز هفت حزب تشکیل دهنده جبهه کردستان بتوانند به پارلمان راه یابند. به غیر از این هفت حزب، سه نیروی سیاسی دیگر کاندیدا معرفی کردند. این نیروها عبارت بودند از "حزب اسلامی کردستان"، "حزب محافظه کار کردستان" و لیستی از کاندیداهای مستقل.

دولت عراق از قبل اعلام کرد که انتخابات کردستان را به قانونی می‌داند و نتایج آن را به رسمیت نمی‌شناسد. از این رو احزاب کرد در برگزاری انتخابات با دشواری‌های لجستیکی زیادی مواجه بودند. روز شانزده اسفند سال گذشته در همه مناطق تحت کنترل این احزاب، سرشماری برای تعیین تعداد واجدین شرایط صورت گرفت. رهبران کرد ناچار شدند برای تأمین اوراق رای و جوهری که با آن انگشتان رای دهندگان علامت زده می‌شود، از کمک دولت ایالتی نوردراین - وستفالن آلمان استفاده کنند. این، یکی از نتایج سفر بارزانی به اروپا بود که در اسفند ماه صورت گرفت. علاوه بر این کمک، ناظران اعزام شده از سوی پارلمان اروپا و مجالس چندین کشور اروپایی، مراقب صحت رای گیری بودند. به علت درصد بالای بیسواسی در میان مردم، رنگ‌هایی که احزاب برای متمایز کردن خود از دیگران انتخاب کرده بودند، روی اوراق رای نیز چاپ شده بود. پرچم‌های رنگارنگ احزاب در طول چندین هفته پیش از انتخابات، شهرها و روستاها را با منظره بیسابقه‌ای آراسته بود.

نتایج انتخابات کردستان عراق بر اساس اعلام خبرگزاری‌ها، حاکی از آنست که ۵۰ درصد

واکنش‌ها در قبال این انتخابات

انتخابات در کردستان عراق دارای ابعاد گسترده و پراهمیتی است. تأثیر این واقعه مهم سیاسی از یکسو بر تحولات درون عراق است و از سوی دیگر تأثیر مهم‌تری که در مناطق کردنشین کشورهای همجوار عراق و بویژه ترکیه و ایران برجای می‌گذارد. رژیم صدام حسین نه تنها از موضع شوینیسم عربی با انتخابات در کردستان مخالف است، بلکه این اقدام را تهدیدی سیاسی در عراق علیه موجودیت حکومت خود تلقی می‌کند. هر دو حکومت ترکیه و جمهوری اسلامی با انتخابات در کردستان عراق با حساسیت زیاد برخورد میکنند. در حالیکه رژیم ترکیه با نفس این اقدام صریحاً مخالفت کرد و خشم خود را نسبت به برگزاری انتخابات در کردستان عراق ابراز داشته است، جمهوری اسلامی برخورد محتاطانه‌تری در پیش گرفته و بیشتر به نتایج آن و به مهار کشیدن نیروهای کردستان عراق در چارچوب اهداف و سیاست‌های خود چشم دوخته است. رژیم ترکیه، برگزاری انتخابات در کردستان عراق را خطری علیه تجزیه کشور عراق و تهدیدی بر ضد جغرافیای سیاسی منطقه معرفی کرده و آنرا توطئه‌ای از خارج قلمداد نموده است. رژیم ترکیه از این هراس دارد که تحت تأثیر این تحول سیاسی مهم، هم نیروی مقاومت ملی در کردستان ترکیه از پایگاه حمایتی بیشتری در آینده برخوردار شود و هم پیشبرد سیاست شوینیستی و پان ترکیستی آن که در پی تحولات شوروی سابق به سطح تازه‌ای فرا روئیده است، با دشواری‌های تازه و بیشتر مواجه گردد.

جمهوری اسلامی که تضعیف رژیم صدام، یکی از عناصر محوری سیاست خاورمیانه‌ای آن

است، بر روی استفاده از جنبش توانمند کردستان عراق همواره حساب میکند. اما این رژیم، در عین حال با جنبش ملی کردستان ایران روبرو است. رژیم جمهوری اسلامی آگاه از پیوندهای قوی بین نیروهای سیاسی کردستان ایران و عراق و ارتباطات گسترده کردهای دو سوی مرز، نگران آنست که مقاومت مردم کردستان ایران در برابر آن نیرومندتر بشود. با آنکه هنوز نمیتوان در مورد کم و کیف آینده روندی که در کردستان عراق به سود جنبش ملی کرد جریان دارد اظهار نظر قطعی کرد، معجزاً مسلم است که این موضوع اهمیت "مسئله کرد" را در معادلات سیاسی منطقه و مالا در معادلات جهانی بیشتر کرده و خواهد کرد. در این میان، این برخورد مسئولانه و سنجیده رهبری جنبش ملی کردستان عراق خواهد بود که در نحوه رقم خوردن آینده این روندها اهمیت دارد. احترام به دمکراسی نوپا در درون کردستان عراق و رعایت حق و سهم جریانات متشکله این جنبش از یکسو، و احترام از فزون طلبی و ماجراجویی در برخورد با حل "مسئله کرد" از سوی دیگر، شاخص‌های اصلی این تأثیر گذاری هاست. نیتان در دام نقشه‌های فرض ورزانه دولتهای خارجی و استفاده از امکانات مساعد بین المللی برای تأمین و تثبیت هویت ملی خود؛ اتکا بر امکانات واقعی کردستان عراق و کل عراق برای موفقیت جنبش ملی و چاره‌جویی بخاطر برون برد کردستان عراق از عقب ماندگی، جهات همدمه آن مسائلی است که در برابر رهبران جنبش ملی کردستان عراق قرار دارد.

پوشش دمکراتیک به حکومت‌های خودکامه کوشیده‌اند. یکی از ارکان اصلی دیکتاتوری تایلند، ارتش است که افسران عالی رتبه آن با سوء استفاده از موقعیت و قدرت خود، ثروتمند شده‌اند. آنها در طول دهها سال بدون هراس از پیگرد قانونی به سوء استفاده و گاه اعمال جنایتکارانه ادامه داده‌اند. اگر یک دولت غیر نظامی و منتخب بر سر کار آید، لاقلاً بخشی از این امتیازات ویژه مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت، ژنرال سوچیندا تحت فشار قیام مردم ناچار به صدور دستور آزادی چاملونگ شد و موافقت کرد که از چهارم خرداد، تغییر قانون اساسی به بحث پارلمان گذاشته شود.

است. یک جامعه مدنی شکل گرفته است که دیگر نمی‌تواند شیوه کهنه حکومت را بپذیرد. اقبال جدید تایلند، هم‌دا در شهر ده میلیون نفری بانکوک متمرکز شده‌اند. شکاف اقتصادی میان بانکوک و مناطق عقب مانده تایلند بسیار عمیق است. سه چهارم تولید صنعتی تایلند متعلق به بانکوک و اطراف آن است. درآمد سرانه در بانکوک، ده برابر شمال شرقی تایلند است که بخش عقب مانده این کشور محسوب می‌شود. در این منطقه فقیر، سه چهارم جمعیت ۶۵ میلیون نفری تایلند زندگی می‌کنند. این منطقه تحت فرمانروایی زمین داران بزرگی است که بسیاری از آنها از دهها سال پیش با خریدن رای به پارلمان راه یافته و در دادن

"ما دولت سوچیندا را یک حکومت مشروع و قانونی می‌دانیم. باعث تأسف است که کار به خونریزی کشیده است، اما همت این خونریزی تهاجم به نیروهای امنیتی بود." دولت ژاپن که سالانه کمکی معادل ۴۱۸ میلیون دلار در اختیار تایلند می‌گذارد، می‌گوید که قصد قطع این کمک را ندارد.

نیروی اصلی جنبش مردم تایلند برای دمکراسی، اقبال و طبقات جدید شهری‌اند که در تحولات اقتصادی ده سال اخیر این کشور شکل گرفته‌اند. طی این ده سال، اقتصاد تایلند با آهنگی که در دنیا کمتر نظیر دارد، رشد کرده است. در این کشور، که سالها تحت سلطه ساختارهای سیاسی ماقبل سرمایه‌داری بوده

دهها ساله دیکتاتوری‌های نظامی در این کشور، ناچار شده است یک مانور نظامی مشترک با تایلند را لغو کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت این کشور "نمی‌تواند استفاده از قهر را به مثابه راه حلی برای اختلافات اپوزیسیون و دولت بپذیرد." وی افزود در شرایط کنونی، روابط هادی با دولت تایلند غیر ممکن است. این در حالی است که تا دو هفته پیش دولت آمریکا به بهانه اتهاماتی علیه چاملونگ رهبر اپوزیسیون تایلند مبنی بر دخالت او در تولید مواد مخدر، از حمایت از رای دمکراتیک مردم تایلند سرباز می‌زد.

دولت ژاپن که حامی اصلی حکومت تایلند محسوب می‌شود، بر خلاف ایالات متحده اعلام کرد:

تایلند: قیام علیه دیکتاتوری

بقیه از صفحه آخر

تظاهرات گسترده در بانکوک از سر گرفته شد. مردم در اعتراضات خود خواهان کناره‌گیری ژنرال سوچیندا شدند. این بار، دیکتاتوری نظامی به خشونت و سرکوب متوسل شد. ظرف سه روز، حداقل سی تن از مردم توسط نظامیان که به مقابله با آنها اعزام شدند به قتل رسیدند، صدها تن مجروح و هزاران نفر دستگیر شدند. در میان دستگیر شدگان، چاملونگ رهبر اپوزیسیون نیز هست.

شدت سرکوب، بر دامنه اعتراضات افزود. تایلند در هفته گذشته شاهد شدیدترین

تظاهرات گسترده در بانکوک از سر گرفته شد. مردم در اعتراضات خود خواهان کناره‌گیری ژنرال سوچیندا شدند. این بار، دیکتاتوری نظامی به خشونت و سرکوب متوسل شد. ظرف سه روز، حداقل سی تن از مردم توسط نظامیان که به مقابله با آنها اعزام شدند به قتل رسیدند، صدها تن مجروح و هزاران نفر دستگیر شدند. در میان دستگیر شدگان، چاملونگ رهبر اپوزیسیون نیز هست.

شدت سرکوب، بر دامنه اعتراضات افزود. تایلند در هفته گذشته شاهد شدیدترین

انتخابات در کردستان عراق

بقیه از صفحه اول

حضور ارگانهای حقوقی و اداری دولت عراق در شمال این کشور به ویژه در شمال مدار ۳۶ درجه که طبق تصمیم شورای امنیت سازمان ملل، بغداد حق حضور نظامی در آن را ندارد، نوعی خلا قدرت ایجاد کرده است. با انتخاب پارلمان محلی، نمایندگان مردم کردستان خود اقدام به وضع قوانین ناظر بر اداره این مناطق خواهند کرد. پارلمان همچنین عالیترین ارگان تصمیم گیرنده در باره مذاکرات با دولت بغداد خواهد بود.

گفتگوهای صلح با دولت عراق موضوع اصلی در مبارزه انتخاباتی میان احزاب سیاسی کرد بود. در پائیز سال گذشته در صفوف "جبهه کردستان" در مورد

چگونگی پیشبرد مذاکرات خودمختاری، اختلافات بالا گرفت. در حالی که جبهه میهنی به رهبری جلال طالبانی به قطع مذاکرات گرایش داشت، مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق معتقد بود که کردها باید به جای چشم دوختن به حمایت‌های خارجی، بیشتر در راه توافقی با بغداد تلاش کنند. رهبران کرد توافق کردند که این اختلاف را به معرض تصوات ۱/۷ میلیون نفر واجد شرایط در مناطق تحت کنترل خود بگذارند. در ماهها و هفته‌های پیش از انتخابات، سخنرانی‌ها و گردهمایی‌های زیادی از سوی احزاب برگزار شد که در آن، هر یک از نیروهای کرد کوشید

موافقت مردم را با موضع خود در قبال مذاکرات خودمختاری جلب کند. از جمله مسعود بارزانی طی نطقی در اربیل که قرار است پایتخت کردستان و مقر پارلمان شود، هشدار داد: "ما نباید با سرنوشت مردم بازی کنیم. وضع امروز جهان به ما اجازه نمی‌دهد طالب چیزی بیشتر از خودمختاری برای کردستان شویم. اگر پا را از این فراتر بگذاریم، حمایت‌ها را از دست خواهیم داد. سیاست جهانی به ما اجازه نمی‌دهد مسائلی مانند تجزیه یا تغییر مرزهای منطقه را مطرح کنیم." در مقابل، نوشیروان معاون طالبانی ضمن پذیرش اصل مذاکره با بغداد، معتقد است که گفتگوها

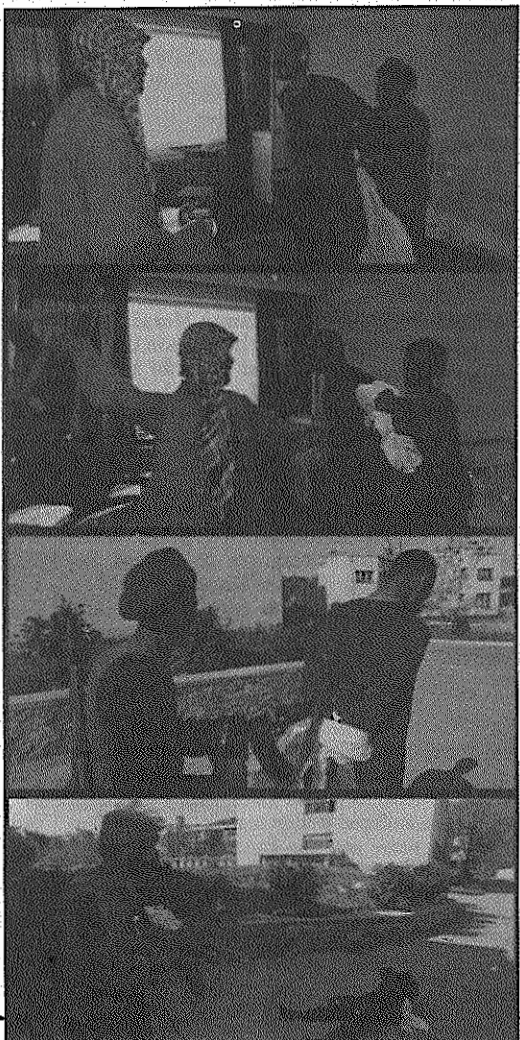


مردم کردستان عراق از انتخابات هفته گذشته بطور گسترده استقبال کردند.

رژیم صدام حسین باید از موضع قدرت صورت گیرد، او می‌گوید: "نخست باید به وضع داخلی خودمان برسیم، اقتصاد را راه اندازیم و دستگاه اداری را تقویت کنیم، پس از آن خواهیم توانست باز در باره مسئله مذاکرات به بحث بپردازیم." به غیر از اتحادیه میهنی و حزب دمکرات، چندین حزب دیگر نیز در انتخابات شرکت کردند. از جمله، باید از حزب دمکرات مردمی نام برد که در برنامه انتخاباتی‌اش از یک نظام فدرال در کردستان عراق جانبداری می‌کند. عبدالرحمان رهبر این حزب می‌گوید دولت ایالتی کردستان باید در چارچوب چنین نظامی حق مذاکره مستقل با طرفهای خارجی در مورد مسائل دو جانبه مانند مسائل اقتصادی را داشته باشد. حزب سوسیالیست کردستان و حزب کمونیست عراق - شاخه کردستان نیز بیشتر به این تمایل دارند که مذاکره با بغداد پس از حل مسائل داخلی کردستان صورت گیرد. احزاب شرکت کننده در انتخابات برای مناطقی که هنوز تحت کنترل دولت عراق است، از جمله استان نفت خیر کرکوک، راه حلی ارائه ندادند و تنها به ذکر این نکته اکتفا کردند که هرگاه شرایط اجازه دهد، باید در این مناطق نیز رای گیری صورت گیرد. البته حدود پانصد هزار نفر از مردم ساکن این مناطق که در جریان هجوم ارتش عراق در حدود یک سال پیش به شمال مدار ۳۶ درجه پناه آوردند،

بقیه در صفحه ۱۱

این عکس‌ها، قتل یک افغانی را بدست نیروهای حزب اسلامی که وزارت کشور کابل را چند روز در تصرف داشتند، نشان می‌دهد. افراد مسلح حکمت یار در ساختمان وزارت کشور فردی را به اتهام عضویت در سازمان امنیت بازداشت می‌کنند، مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و در همان محوطه وزارت کشور به قتل می‌رسانند.



برقراری ارتباط از طریق فاکس


دوستانی که در اقصی نقاط جهان می‌خواهند بادیبر خانه مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رابطه برقرار کنند، خوانندگان و علاتمندان نشریه کار که می‌خواهند خبر، مقاله و یا سندی را سریعاً برای نشریه ارسال بدارند، از طریق شماره فاکس fax 3318290 - 221 - 00 49 آلمان با ما تماس بگیرند.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر بستی و یار سید بانگی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا دیگر نقاط

بهای اشتراک ۰ شش ماهه ۴۵ مارک ۵۲ مارک
نشریه "کار" ۰ یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR No 35 27.MAY 1992	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کد بانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY

تایلند: قیام علیه دیکتاتوری

پایتخت تایلند تظاهرات وسیعی برپا شد. مردم در تظاهرات خود خواهان اصلاح قانون اساسی شدند. قانون اساسی تایلند که انتخاب نخست وزیر از میان اعضای پارلمان را به صراحت پیش بینی می‌کرد، اخیراً با سرعت تغییر یافت تا ژنرال سوچیندا بتواند عملیات نتایج انتخابات را زیر پا گذارد و دولت جدید را تشکیل دهد. اما ظاهراً خود سوچیندا نیز نخست از ایجاد اعتراضات سراسیمه شد. دولت و اپوزیسیون بدنال برگزاری نخستین تظاهرات صدها هزار نفری در بانکوک توافق کردند که قانون اساسی اصلاح شود و در آن انتخاب نخست وزیر از میان اعضای پارلمان پیش بینی گردد. بدنال این توافق، چاملونگ به اعتراض قذای خود پایان داد و از مردم خواست به تظاهرات خود پایان دهند. ظاهراً انگیزه او از این دعوت مقابله با اتهامات ژنرال سوچیندا دایر بر ضدیت چاملونگ با مذهب بودایی، دین رسمی تایلند بود، زیرا قطع موقتی تظاهرات در آستانه برگزاری یکی از مراسم سنتی بودایی صورت گرفت. همزمان با توقف اعتراضات، چاملونگ اعلام کرد که تظاهرات از روز ۲۷ اردیبهشت از سر گرفته خواهد شد و در صورت عدم پایبندی دولت به وعده تغییر قانون اساسی، ادامه از روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت،

بقیه در صفحه ۱۱

تایلند دستخوش ناآرامی خونینی شده است. صدها هزار تن از مردم این کشور علیه دیکتاتوری قیام کرده‌اند. در بهمن ماه سال ۱۳۶۹، ژنرال سوچیندا کراپریون با یک کودتای نظامی در تایلند قدرت را به دست گرفت. یک سال پس از این کودتای حکومت نظامی تاجار شد به برگزاری انتخابات پارلمانی تن دهد. در این انتخابات، ژنرال باننشسته چاملونگ سیرموانگ توانست موفقیت چشمگیری بدست آورد. حزب او از ۳۵ کرسی بانکوک پایتخت تایلند، ۳۲ کرسی را از آن خود کرد. چاملونگ که عضو یک فرقه مذهبی مبلغ بی‌اعتنایی به مادیات و مصرف است، در گذشته فرماندار بانکوک بود و به عنوان سیاستمداری میرا از فساد رایج در میان مقامات تایلندی شهرت یافت. او توانسته است ظرف مدت کوتاهی به امید اقشار وسیعی از مردم تایلند به رهبری از دور تسلسل حکومتهای فاسد و دولتهای نظامی تبدیل شود. پس از انتخابات اخیر، ژنرال سوچیندا بی‌اعتنایی به نتایج انتخابات و بدون اینکه به عضویت پارلمان برگزیده شود، دولت جدید خود را تشکیل داد. این امر باعث شد که چاملونگ اعلام کند نمایندگان حزب او از شرکت در جلسات پارلمان خودداری خواهند کرد. خود چاملونگ از روز چهاردهم اردیبهشت دست به اعتصاب غذا زد. به حمایت از چاملونگ در

قدرت گیری جبهه خلق در آذربایجان

قرار بود مقدم خردادماه برگزار شود، به تعویق افتاد. دوره دوم ریاست جمهوری مطالبات یک روز بیشتر به طول نیاورد. طرفداران جبهه خلق، خشمگین از تصمیمات جدید پارلمان به سوی مقر پارلمان راهپیمایی کردند و به سوی نگهبانان آن آتش گشودند. صدای تیراندازی در اطراف پارلمان در سراسر باکو به گوش می‌رسید. با آغاز تیراندازی، تعدادی از تظاهرکنندگان به محل وزارت دفاع رفتند و از نگهبانان مقر وزارت دفاع خواستند تا به آنها اسلحه بدهند. به گزارش "توران"، خیرگزاری آذربایجان، تعدادی از سربازان نیروهای دولتی آذربایجان به تظاهرکنندگان پیوستند. همزمان با تحولات سریع در باکو، پیشروی‌های نظامی آرامنه در قره‌باغ و در مناطقی از آذربایجان که بر سر راه قره‌باغ به ارمنستان واقع شده است، ادامه یافت. هفته گذشته نیروهای ارمنی موفق شدند بدنال تصرف شهر شوفا آخرین پایگاه آذری‌ها در قره‌باغ، شهر لاجین مهم‌ترین محل استقرار نیروهای آذری در منطقه بین قره‌باغ و ارمنستان را نیز تسخیر کنند. بدین ترتیب، آرامنه توانسته‌اند از قره‌باغ تا ارمنستان، دالانی تحت کنترل خود ایجاد کنند. موفقیت‌های نظامی آرامنه به آوارگی هزاران تن از ساکنان

بقیه در صفحه ۱۰

بدنیال انتخاب مجدد ایاز مطلباف رئیس جمهور پیشین آذربایجان به این سمت از سوی پارلمان آذربایجان در روز ۲۴ اردیبهشت، تنها یک روز بعد نیروهای مسلح جبهه خلق، مهم‌ترین نیروی اپوزیسیون - ساختمانهای پارلمان و تلویزیون باکو را تصرف و اعلام کردند مطلباف دوباره بر کنار شده است. عیسی قنبراف سخنگوی جبهه خلق در تلویزیون باکو گفت که این جبهه قدرت را بدست گرفته است. وی افزود جبهه اوضاع را در سراسر آذربایجان تحت کنترل دارد. بدنال این تحولات، چند هزار تن از طرفداران جبهه خلق در جلوی مقر پارلمان گرد آمدند و خواهان انحلال پارلمان شدند. پارلمان آذربایجان تصمیم گرفت خود را به حالت تعلیق در آورد و قدرت را به شورایی مرکب از مقامات دولتی و نمایندگان جبهه خلق بسپارد. در اواخر سال ۱۳۷۰، مطلباف به علت تمایلش به یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای قره‌باغ از سوی پارلمان بر کنار شده بود. اما دو هفته پیش، مجلس آذربایجان در یک اقدام غیره منتظره، مطلباف را به مقام خلاصه باز گرداند. مطلباف بلافاصله مقررات فوق‌العاده‌ای اعلام کرد که در چهارچوب آن، تظاهرات و فعالیت احزاب ممنوع بود. پارلمان همزمان با برگزیدن مجدد مطلباف، انتخابات ریاست جمهوری را که